

پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی

بولتن ویژه
نسخه انتشار عمومی

دیپلمات

www.Didban.ir



معرفی و نقد کتاب:

ملی

امنیت
و دیپلماسی هسته‌ای

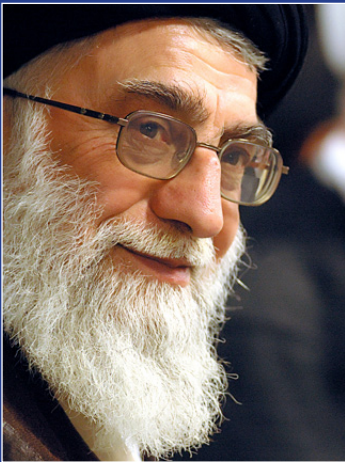
پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی
www.Didban.ir



مطالب این بولتن صرفاً جهت اطلاع
رسانی بوده و نقل از آن تنها با ذکر
منبع مجاز می باشد.

مجلس

الرحمن
الرحيم



گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری حول انرژی هسته‌ای

اگر کشور برق متکی به انرژی هسته‌ای نداشته باشد با مشکلات اساسی روبه‌رو می‌شود به همین علت تولید انرژی هسته‌ای نیازی حقیقی است و مسؤولان موظفند بدون تسلیم شدن در برابر فشارها، حرکت ایران را به سمت فناوری‌های پیشرفته از جمله انرژی هسته‌ای ادامه دهند.

**دیدار اعضای مجلس خبرگان با
رهبر انقلاب - ۸۴/۱۲/۱۸**

ملت ایران هیچگاه به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و نخواهد بود و به دنیا نیز ثابت خواهد کرد که سلاح هسته‌ای اقتدار آفرین نیست بلکه یک ملت با اتکاء به استعدادها و ظرفیت‌های بالای انسانی و طبیعی خود، توانایی شکستن اقتدار متکی به سلاح هسته‌ای را دارد.

**دیدار دانشمندان هسته‌ای با
رهبر انقلاب - ۹۰/۱۲/۳**

نقد داخلی

و خوش بینی به غرب!!!

میلاذ شایگان

کارشناس روابط بین الملل

mi.shaygan@yahoo.com

است لکن چاپ دوم نیز با پاره ای از اصلاحات منتشر شده است.

●●● بخش اول: معرفی ۱- معرفی نویسنده:

حسن روحانی متولد سال ۱۳۲۷ دارای دکترای حقوق و سابقه تحصیل در حوزه علمیه قم؛ نماینده مقام معظم رهبری در شورایی عالی امنیت ملی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده مجلس خبرگان رهبری از استان تهران، نماینده ۵ دوره مجلس شورای اسلامی از ابتدا تا دور پنجم و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام است. ایشان همچنین به مدت ۱۶ سال و در دوره های ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی و سید محمد خاتمی از سوی این دو به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فعالیت کرده است

دکتر روحانی از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶، ریاست قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) را بر عهده گرفت و از همان سال (۱۳۶۴) تا پایان جنگ، مسئولیت فرماندهی ستاد کل پدافند هوایی کشور را نیز عهده دار بود. دکتر روحانی از سال ۱۳۶۸ که "شورای عالی امنیت ملی" کشور تشکیل شد، به عنوان نماینده رهبر انقلاب وارد شورا شد و از سال ۱۳۷۰ تا به حال عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است.

وی عضو هیأت امنای دانشگاه تهران و منطقه شمال

کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای که به کوشش دکتر حسن روحانی نگارش شده، بازگویی خاطرات دکتر روحانی از مسائل و حوادث به وجود آمده در ۶۷۸ روز مسئولیت ایشان و همکارانشان (۱۴/۷/۸۲ تا ۲۴/۵/۸۴) حول موضوع انرژی هسته ای جمهوری اسلامی ایران و چالش های بوجود آمده توسط کشورهای غربی به خصوص آمریکا و سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و انگلیس است.

اثر فوق، اولین کتابی است که توسط یکی از مسئولین ارشد جمهوری اسلامی ایران نگارش شده است که زمانی به عنوان رئیس تیم مذاکره کننده هسته ای به وظیفه خود عمل می کرد. البته درباره موضوع هسته ای ایران کتب دیگری همچون کتاب خاطرات البرداعی، کتاب خاطرات یوشکا فیشر وزیر خارجه سابق آلمان و کتاب خاطرات موسویان از اعضای سابق تیم مذاکره کننده هسته ای نیز منتشر شده است. در کتاب فوق به تاریخچه فناوری هسته ای در کشور پرداخته شده است و از سوی دیگر، روند خوبی را در فرایند دستیابی کشور به چرخه سوخت هسته ای بازگو کرده است.

متن حاضر میکوشد تا در دو بخش در جهت معرفی، نقد و تکمیل این کتاب گام بردارد. از این رو ابتدا به معرفی اجمالی نویسنده و کتاب مذکور می پردازد و در بخش دوم برخی از انتقادات و پیشنهادات اصلاحی برای بهبود کتاب در چابهای بعد را، ارائه می نماید، شایان ذکر است که نقد فوق ناظر به چاپ اول کتاب



در کشور است.

در فصل سوم با عنوان شکل گیری تنش هسته ای و ضرورت های نوین (مرداد ۸۱ - مهر ۸۲)، شامل ۷ زیر عنوان می شود که نویسنده در این بخش با تبیین نحوه قرار گرفتن پرونده هسته ای ایران در مار پیچ مشکلات آژانس و کشورهای اروپایی، فضای مسئله هسته ای ایران قبل از انتصاب خود به عنوان رئیس تیم هسته ای را شرح می دهد.

در فصل چهارم کتاب به نام تهدیدزدایی از امنیت ملی (مهر ۱۳۸۲ - آبان ۱۳۸۲) که خود به ۱۸ بخش دیگر تقسیم می شود، بازگویی خاطرات شروع به کار مؤلف به عنوان رئیس تیم هسته ای در شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است که بنابر اظهارات نویسنده به آرام کردن و تهدیدزدایی از پرونده هسته ای و ارتباط برقرار کردن با طرف های درگیر

از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۷۸ و عضویت در شورای سرپرستی صدا و سیما از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۲ از دیگر مسوولیت های وی در دوران پس از انقلاب بوده است.

۲ - معرفی کتاب:

کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای، در دوازده فصل و بخش پیوست ها در ۹۹۹ صفحه نگارش شده است و به نظر می رسد فارغ از نکات مثبت و منفی موجود در چاپ اول کتاب، اولین کتاب نسبتا جامع در موضوع انرژی هسته ای ایران است که تا به حال در ایران منتشر شده است و در زمره کتب خاطرات شفاهی تاریخ معاصر انقلاب قرار می گیرد.

هر فصل کتاب خود شامل چندین قسمت دیگر می شود که به صورت اجمال به معرفی آنها می پردازیم: **فصل اول** با عنوان انقلاب اسلامی و فناوری هسته ای (۱۳۸۲ - ۱۳۵۷)، شامل ۷ زیرعنوان می شود که به طور کلی تاریخچه و سیر تحول مسئله هسته ای ایران از ابتدای انقلاب تا زمان انتصاب دکتر حسن روحانی به عنوان مسئول پرونده هسته ای در شورای امنیت ملی را بیان می کند.

فصل دوم کتاب با عنوان چالش ها و ساختارها، شامل ۱۸ زیر عنوان می شود که به دنبال معرفی ساختارها و نقد آنها به خصوص معرفی نهاد شورای امنیت ملی و چگونگی تصمیم گیری و تصمیم سازی در این نهاد و رابطه با دیگر نهادهای مسئول و مرتبط



در فصل هفتم کتاب تحت عنوان توافق پاریس، در ۹ عنوان مجزا به شرایط داخلی و بین المللی اشاره می کند و اینکه بعد از توافق پاریس، پرونده ایران از حالت اضطراری خارج شده و به شورای امنیت ارجاع داده نشده است و شرایط در حالت بهتری نسبت به قبل قرار گرفته است.

فصل هشتم کتاب، نویسنده به چگونگی مذاکرات با روسای فرانسه و آلمان و همچنین نحوه انجام کار گروه های سه گانه تشکیل شده بعد از توافق پاریس می پردازد، از سوی دیگر مؤلف در این فصل با عنوان آغاز مذاکرات و زمینه ای برای ایجاد فرصت و تحت ۶ زیر عنوان، به طور کلی شرایط ایران برای خروج از مذاکرات را شرح می دهد و اینکه شروع فعالیت های انتخاباتی در داخل کشور به عنوان چالشی مهم در روند پرونده هسته ای ارزیابی شده



همچون آژانس انرژی هسته ای و شخص البرادعی و سه کشور اروپایی گذشته است و همچنین فضای داخل و خارج، قبل و بعد از مذاکرات تهران نیز بررسی شده است.

در فصل پنجم کتاب تحت عنوان بحران جدید و تلاش های مضاعف، نویسنده به ماجرای کوتاه آمدن لیبی مقابل آمریکا و ضعیف شدن تیم مذاکره کننده غربی اشاره می کند که در ۷ بخش مجزا به مشکلات بوجود آمده از اقدام لیبی می پردازد.

فصل ششم کتاب با عنوان دیپلماسی در بحران (مرداد ۱۳۸۳ - آذر ۱۳۸۳)، مؤلف به تلاش آمریکا برای ارجاع پرونده ایران در سپتامبر ۲۰۰۴ بعد از خنثی سازی تلاش آمریکا برای ارجاع پرونده در سپتامبر ۲۰۰۳ می پردازد که در ۷ زیر عنوان به تلاش های تیم هسته ای برای جلوگیری از این اقدام می پردازد.



پیامدهای بین المللی تصمیم جمهوری اسلامی ایران برای راه اندازی کارخانه اصفهان (USF) از جمله نامه به وزیران اروپایی، تماس امبکی، کوفی عنان، چین و روسیه و توصیه آنها برای تأخیر در راه اندازی کارخانه اصفهان تا دریافت طرح نهایی اروپا و همچنین سفر به ژنو و آخرین مذاکرات با سه وزیر اروپایی.

در فصل دهم با عنوان بی اعتمادی و تردید در ۱۰ زیر عنوان، تشریح شده است.

در فصل یازدهم، نویسنده بیشتر به تکرار تلاش های تیم هسته ای در طول مدت مأموریت خود می پردازد و از استراتژی سه وجهی نام برده و درباره آن توضیح می دهد، در این فصل همچنین به آغاز به کار مجدد UCF اصفهان اشاره می شود، معرفی تیم جدید هسته ای و مقایسه بین آغاز و پایان مسئولیت تیم هسته ای در زمان مدیریت آقای روحانی از جمله موضوعاتی است که در این فصل با عنوان استراتژی سه وجهی و در ۸ زیر عنوان نگارش شده است.

در فصل دوازدهم نیز نویسنده خلاصه ای از فصول گذشته را تبیین می کند، در این فصل نویسنده تحت عنوان دستاوردهای ۶۷۸ روز تلاش و در ۳ زیر عنوان به اهداف، راهبردها و دستاوردها هسته ای در زمان مدیریت آقای روحانی اشاره می شود.

است.

در فصل نهم با عنوان امیدهای نوو تحت ۶ زیر عنوان، تحلیلی از وقت کشی اروپا در مذاکرات گروه های کاری ارائه و ابتکار عمل جمهوری اسلامی ایران در ارائه طرح چهار مرحله ای شامل غنی سازی صنعتی در اولین روزهای سال ۱۳۸۴ تشریح شده است. فشار آمریکا، تأثیرپذیری اروپا از آمریکا و



پوشکا فیشر و روحانی

تحولات داخلی در ایران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری که دست به دست هم داده و به روند تغییر استراتژی به صورت پلکانی سرعت بخشی در این فصل تشریح شده اند.

●●● بخش دوم: نقد

متأسفانه در جامعه ما نقد ابزاری برای تخریب پنداشته می‌شود و در عمل نیز گاه به همین منظور به کار گرفته می‌شود، اما در این مجال منظور از نقد، نه تخریب، بلکه تشخیص عیار است و هدف از آن نیز، تکمیل این اثر، در حد توان این قلم است. از این رو ابتدا به برخی از نکات مثبت این اثر اشاره می‌شود تا خوانندگان به قوت‌های این اثر پی ببرند و پس از آن برخی از کاستی‌ها و پیشنهادهای برای اصلاح اثر مورد تذکر قرار می‌گیرد، که امید است در تکمیل آن مورد استفاده قرار گیرد.

نکات مثبت اثر

۱. جامعیت نسبی طرح

از موارد قابل توجه و مثبتی که در این اثر می‌شود به آن اشاره کرد، جامعیت نسبی طرح نسبت به دیگر نگارش‌های موجود در بازار است، به نظر می‌رسد کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای آقای روحانی، اولین کتابی است که در زمینه انرژی هسته‌ای در ایران نگارش می‌شود و نگاهی تاریخی به حوادث بوجود آمده در مسئله هسته‌ای ایران دارد و جزئی از کتب تاریخ شفاهی معاصر انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

۲. غنای متن از نظر نقل قول‌های مستقیم

از دیگر نکات مثبت کلی در این طرح، توجه نویسنده به نقل قول‌های مسئولین ایرانی و غیر ایرانی در مذاکرات و جلسات داخلی و خارجی است.

اگرچه نویسنده در بخش‌هایی از کتاب تنها به استفاده از نقل قول بسنده کرده است و نامی از اشخاص (مسئولین داخلی) به میان نیاورده است، لکن در بخش نقل قول‌هایی که از طرف مسئولین اروپایی در کتاب دیده می‌شود، مؤلف توجه خاصی به ترجمه و عبارات استفاده شده داشته است و مخاطب در طول بازگویی روند مذاکرات مختلف در کتاب، مبهم‌گویی و دروغ‌گویی طرف‌های غربی را به خوبی لمس می‌کند.

به عنوان مثال برای نمونه در صفحه ۴۰۲ و در نقل قول ذکر شده از سوی "ژاک شیراک" رئیس جمهور اسبق فرانسه درباره پیشرفت هسته‌ای ایران می‌نویسد: "من به تاریخ و فرهنگ ایران احترام می‌گذارم و در مقابل بوش از ایران دفاع کردم، اما تولید سوخت از جانب شما را بر نمی‌تابیم، نمی‌توان از این خط عبور کرد؛ انگلیس، روسیه، چین و اروپا هم حاضر نیستند این گام را بردارند که به ایران اجازه دهند تا سوخت هسته‌ای برای مصارف غیر نظامی تولید کند."

در این نقل قول به وضوح مخالفت غرب با بحث هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از زبان شیراک و از طرف دیگر کشورها مطرح می‌شود و آن اینکه پیشرفت هسته‌ای ایران برای غرب غیر قابل تصور است، حال آنکه با توجه به قوانین NPT و پروتکل الحاقی، غنی‌سازی اورانیوم برای سوخت هسته‌ای حق هر کشوری است، از سوی دیگر نویسنده در موارد گوناگونی از کتاب اشاره می‌کند که ایران

چه بیشتر خوانندگان از این اثر مفید و موثر باشد.

۱. تهیه خلاصه برای خوانندگان

از جمله اقدامات خوبی که برای تکمیل فایده این کتاب می توان انجام داد، این است که برای خوانندگان کتاب خلاصه ای از مطالب کتاب را فراهم آورد، این کار می تواند به صورت قرار گرفتن خلاصه در انتهای هر فصل، به خواندگانی که نمی توانند به طور کامل از کتاب استفاده کنند کمک وافری بکند.

۲. استفاده از عکس و سند متناسب

از جمله اقداماتی که می تواند به غنا و استحکام اثر منجر شود، استفاده به جا و مناسب از عکس های متناسب و اسناد قابل انتشار است تا خواننده با اطمینان بهتر و بیشتر با کتاب همراه شود.

وجود عکس از آن جهت به غنای اثر کمک می کند که خواننده با دیدن عکس متناسب می تواند تا حدودی با فضای نگارش ارتباط برقرار کند، به عنوان مثال نویسنده در قسمتی از کتاب (صفحه ۱۸۵) به برداشت های نادرست از یک عکس اشاره می کند و می نویسد: "چک استراو به من گفت: بلر در بیمارستان است به او گفتم لابد نمی خواهی زود مرخص شود؟ که هر دو خندیدیم و عکاسی هم در حالی که هر دو می خندیدیم، عکس گرفت و همین عکس بود که در برخی سایت ها با زیرنویس موهومی منتشر شد و حتی عده ای در داخل کشور به آن حساسیت

برای اینکه درباره نیت صلح آمیز خود از غنی سازی و دستیابی به سوخت هسته ای اعتماد سازی کند، حاضر به همکاری و تلاش دو طرفه است (صفحات ۴۰۸، ۴۱۹ و ۴۲۴ نمونه ای از تلاش روحانی برای اعتماد سازی با طرف های غربی است و اینکه فتوای ولی فقیه درباره حرام بودن تولید، نگهداری و به کار گیری سلاح های کشتار جمعی بسیار مهم تر از آن پی تی و پروتکل الحاقی است) در بخش نقل قول های مستقیم در جلسات و مذاکرات داخلی نیز، نویسنده روند خوبی را به کار گرفته است



دیدار روحانی و ژاک شیراک

لکن نقاط ضعف های بسیاری وجود دارد که در ادامه نقد به آنها اشاره خواهد شد.

توصیه ها

منظور از توصیه ها بیان پیشنهاداتی است که البته نه بیانگر ضعف اثر و نه بیانگر کاستی و خلأ در آن است؛ اما به کارگیری آنها می تواند در استفاده هر



نشان دادند و ... "حال آنکه اگر نویسنده در کنار همین اظهارات عکس مورد نظر را هم منتشر می کرد، خواننده را با خود همراه می کرد.

۳. افزودن یک جمع بندی به پایان گفتار

کتاب حاضر به علت تفصیلی و تحلیلی بودن با این مشکل مواجه است که گاه خواننده در پایان هر گفتار نیازمند آن است که حجم بالای مطالب منتقل شده در آن گفتار را یکبار دیگر مرور نماید تا بتواند به برداشتی جامع از مطالب آن گفتار دست یابد. به عبارت بهتر چون حجم داده‌ها و تفصیل مطالب در هر گفتار زیاد است شایسته آن است که در انتهای هر گفتار نویسنده جمع بندی از مطالب آن گفتار ارائه کند؛ این امر هنگامی ضرورت بیشتری پیدا کند که بدانیم همه خوانندگان ما، الزاما، همه بخش ها و گفتارهای کتاب را به طور کامل مطالعه نمی کنند؛ که البته این امر در مورد کتابی مفصل از این دست طبیعی است. از این رو بهتر است برای آنکه خوانندگان بتوانند به راحتی به جمع بندی مطالب ارائه شده در هر گفتار دست یابند، در انتهای هر گفتار

کتاب یک جمع بندی اضافه شود.

نقاط ضعف:

تقریبا هر اثری هر چند که جامع و محققانه باشد، احتمال وجود نقاط ضعف در آن هست، مهم آن است که در بیان این نقاط ضعف تلاش ناقد و منتقد بر اصلاح و تکمیل اثر باشد که ان شاء الله اکنون چنین است؛ برای بیان بهتر نقاط ضعف کوشش شده است که این موارد در چند دسته، تقسیم بندی شوند؛ از این رو ابتدا به خلاءهای کتاب حاضر می پردازیم، سپس به سراغ نقاط ضعف کلی کتاب می رویم و در نهایت نقاط ضعف جزئی را مورد توجه قرار می دهیم.

۱. خلاءها:

منظور از خلاءها مسائلی است که باید در کتاب مورد بررسی قرار می گرفته، ولی جای آنها خالی است. به عبارت بهتر خلاءها مسائلی هستند که جامعیت اثر منوط به وجود آنهاست و نبود آنها نوعی کمبود و کاستی برای اثر محسوب می شود، البته مشخص است که از منظرهای مختلف می توان مدعی شد که یک اثر واجد و یا فاقد برخی از خلاءهاست، اما به نظر می رسد که موارد زیر از جمله مواردی هستند که کتاب حاضر به وضوح دارای خلاء و نیازمند تکمیل است. ۱-۱. یکی از خلاءهای موجود و اساسی در اثر فوق، نبود فهرست اعلام در این کتاب حجیم است، به نظر می رسد کتابی با این حجم از اطلاعات و نام های مختلف نیازمند فهرست اعلام است تا خواننده و محقق برای سهولت تحقیق خود به مشکل برخورد

مورد محدود از نمودار و جدول استفاده برده است لکن با توجه به محتوای کتاب و نوع نگارش موردی موضوعات، نیاز بیشتری برای استفاده از نمودار و جدول دیده می‌شود، به عنوان مثال: نویسنده می‌توانست دستاوردهای نظام در مذاکرات مختلف را به نمودار بکشد و یا ایشان می‌توانست به صورت کلی نمودار دستیابی به چرخه سوخت هسته ای را ترسیم کند تا خواننده بداند بحث درباره مسئله هسته ای ایران در کدام مرحله قرار داشته است و موارد دیگری که به فراخور کتاب و فصل‌های آن قابل ارائه در نمودار است.

۲. نقاط ضعف کلی

منظور از نقاط ضعف کلی کتاب مواردی است که اشکال وارده به یک صفحه و یا بخش خاص کتاب وارد نیست و برای رفع آن نیز لازم است که شیوه و روند آن کار اصلاح شود؛ به همین منظور این اشکالات و نقاط ضعف را از اشکالات و نقاط ضعف جزئی که به یک صفحه و یا چند صفحه خاص محدود می‌شود جدا کردیم. البته شاید عنوان "نقاط ضعف کلی" قدری غلط انداز و منحرف کننده باشد و کسی آن را به عنوان نقاط ضعف کل پروژه کتاب برداشت کند که منظور چنین نیست؛ بلکه چنان که ذکر شد منظور از این نقاط ضعف نقاط ضعفی است که فارغ از میزان اهمیت آنها در جای جای کتاب تکرار می‌شوند و به صفحه و موضوع خاصی در

نکند، لذا در بخش آخر کتب و بعد از پیوست‌ها، وجود فهرست اعلام برای کتاب فوق از ضروریات محسوب می‌شود.

۱-۲. از دیگر خلاءهای موجود در کتاب، اختصاص ندادن بخش خاصی به اصطلاحات و مسائل فنی است تا خواننده از همان ابتدای بحث بدانند نحوه دستیابی به چرخه سوخت هسته ای چگونه است و فرق میان اصطلاحاتی همچون UF_6 , UCF , UF_4 ، کپسول P_1 یا P_2 و آب سنگین برای خواننده مشخص شود تا در جای جای متن، خواننده بداند در چه مرحله ای از چرخه سوخت هسته ای قرار گرفته است.

از سوی دیگر، نویسنده می‌توانست در کنار همین بخش، به جای تکرار مکررات در بخش‌های مختلف کتاب که در ادامه به آن اشاره می‌شود، به صورت اجمالی سازمان‌ها و نهادها همچون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام و یا الفاظی همچون NPT یا پروتکل الحاقی را توضیح دهد تا خواننده فرق میان آن بی‌تی و پروتکل الحاقی را بداند و در فهم مطلب با ابهام روبرو نشود.

۳-۱. از دیگر مواردی که می‌توان در این کتاب به عنوان خلاء از آن نام برد، عدم استفاده مناسب و کافی از نمودار و جداول برای خلاصه کردن و نتیجه‌گیری مباحث و موضوعات است زیرا بسیاری از مطالب نیاز به نگارش متنی مطول و خسته کننده نداشته و با یک جدول یا نمودار خواننده به اصل مطلب و حتی نتیجه‌گیری پی می‌برد، البته نویسنده در چندین

کتاب محدود نمی گردند و عبارتند از:

۱-۲. تکرار مکررات در بسیاری از بخش های کتاب

یکی از مشکلات اساسی کتاب فوق، تکرار مکرر در توضیحات غیر مهم در جای جای کتاب است به نحوی که اگر این تکرارهای بی مورد از کتاب حذف شود، حجم کتاب به مقدار قابل توجهی کاهش پیدا خواهد کرد.

از سوی دیگر، یکی دیگر از مشکلات در بحث تکرار مکررات، در فصول انتهایی کتاب به خصوص فصل دوازدهم به بعد است به گونه ای که در این فصول (انتهایی) موضوع و حرف تازه کمتر دیده می شود و به نوعی تکرار مکرر مطالب فصول اولیه است. به عنوان مثال در فصل دوازدهم با عنوان دستاوردهای ۶۷۸ روز تلاش، نویسنده به گونه ای دیگر اقدامات تیم هسته ای را بازگو می کند و این امر از عنوان فصل مشخص است زیرا از فصل اول تا فصل دوازدهم نویسنده به دنبال ارائه دستاوردهای ۶۷۸ روز تلاش تیم هسته ای بوده است و غیر از اینکه این دستاورد را توضیح دهد هدف دیگری را دنبال نمی کرده است. البته باید به این مسئله اشاره شود که در فصل دوازدهم نیز موضوعات جدیدی مطرح شده است لکن در مقایسه با فصول گذشته کتاب، بسیار کاهش پیدا می کند.

به نظر می رسد سنگ بنای تکرار مکررات در فصل پنجم کتاب و در صفحه ۲۶۵ با زیر عنوان تحلیل

وضعیت و راهکارها در مقطع فرودین ۱۳۸۳ کلید می خورد و نویسنده با این عنوان دوباره از ابتدا شروع می کند به توضیح درباره اقداماتی که سازمان انرژی اتمی می بایست انجام می داده است در حالیکه تمامی توضیحات در صفحات و فصول گذشته تکرار شده است. به عنوان مثال نویسنده در ابتدای این صفحه می نویسد: "بحران هسته ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۲ از مهم ترین بحران های سیاسی بین المللی به شمار می رفت که با تدابیر خاص مسئولین نظام تحدید و مهار شد ..."

سازمان انرژی اتمی در جلسات کمیته فناوری های نوین متعهد شده بود که: پروژه UCF اصفهان در ۱۲ فرودین ۱۳۸۰ به بهره برداری برساند ..."

عبارت فوق مشخص می کند که نویسنده از ابتدا شروع به توضیح مکررات مطالب قبلی می پردازد و این توضیح مکررات در فصل دوازدهم به بعد شکوفا می شود.



در توضیحات مربوط به شکسته شدن تعلیق غنی سازی در نظنز آمده است، به عنوان مثال در صفحات ۴۵۳، ۶۰۶، ۶۰۸ نویسنده عینا به این موضوع اشاره کرده است.

۶. در صفحه ۶۶۳ و ذیل عنوان تثبیت حقوق ایران، نویسنده به موضوعات کلی اشاره می کند که از ابتدای کتاب تا بدان جا، بارها به این مسائل اشاره

■ نمونه هایی از تکرار مطالب در کتاب:

۱. نویسنده در ابتدای صفحه ۲۵۹ به بحث هفت سال عدم اقدام درباره نقشه P۲ اشاره کرده و توضیحاتی ارائه می دهد در حالیکه در صفحه ۲۵۷ همین مطلب را به صورت نسبتا کامل توضیح داده است!

۲. در صفحه ۵۳۳ تحت عنوان تصمیم تهران، نویسنده به گزارش خود در جلسه سران اشاره می کند که بازهم نگارش گزارش سران در کتاب، تکرار مطالبی است که نویسنده قبل از آن در خلال بحث های خود آورده است و در اینجا دوباره به آنها اشاره می کند و می توانست گزارش جلسه سران را به صورت پاورقی بیاورد و به تحلیل تصمیم نهایی بپردازد.

۳. در انتهای صفحه ۵۷۲ نویسنده به دیدگاه سه گروه درباره تعلیق و یا عدم تعلیق و حتی کنار گذاشتن موضوع هسته ای در کشور اشاره می کند در حالیکه این نظرات دقیقا در صفحه ۳۲۱ به صورت مبسوط ذیل عنوان تصمیم سیاست مداران آمده است.

۴. در صفحه ۶۳۳ ذیل عنوان تبدیل بحران به فرصت، نویسنده به توافقات چهار کشور معروف به بیانیه تهران و همکاری های بلند مدت بین سه کشور اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلیس) و ایران اشاره می کند در حالیکه مطالب خلاصه ای از مطالب گذشته است که در فصول قبل به آن اشاره شده است.

۵. در ابتدای صفحه ۶۵۷ نویسنده به بحث عدم شکسته شدن تعلیق نظنز، تا ۸ ماه بعد از روی کار آمدن دولت نهم اشاره می کند، در حالیکه این مطلب چندین بار



روحانی در کنار وزرای خارجه سه کشور اروپایی و خاربار سولانا

کرده است، به عنوان مثال هدف آمریکا و متحدانش مبنی بر محرومیت ایران از حق غنی سازی و یا اشاره نویسنده به تلاش تیم هسته ای از مهر ۸۲ تا مرداد ۸۴ برای جلوگیری از الزام ایران در قطعنامه های بین المللی مبنی بر تعلیق غنی سازی و ... از موضوعاتی است که چندین بار در خلال مباحث کتاب به آنها اشاره شده است.

۲-۲. مبهم گویی در بیان مطالب و اشخاص

نویسنده در نگارش نظرات اعضای کمیته عالی هسته ای در چندین جای مختلف تنها به ذکر عبارت نظر یکی از اعضا اشاره می کند لکن در ادامه همین بخش به صورت واضح از وزیر امور خارجه وقت، رئیس سازمان انرژی اتمی وقت، وزیر اطلاعات وقت و یا آقایان هاشمی و خاتمی به عنوان اعضای جلسه نام می برد.

با توجه به محتوای مطالب ذکر شده در این بخش، به نظر می رسد نویسنده کاملاً سلیقه ای از ذکر نام افراد خودداری کرده است!!!

همین روند در صفحه ۵۳۵ نیز تکرار می شود، نویسنده باز هم از عبارت یکی از اعضا استفاده می کند در حالیکه نظر رئیس جمهور وقت و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس مجلس (آقای حداد عادل) را به روشنی بیان می کند.

۲. یکی دیگر از محذوفات در ذکر اسامی افراد، اشاره نویسنده در صفحه ۴۴۰ به عبارت برخی از نامزدهای انتخابات (ریاست جمهوری) به اروپایی ها است که بنابر ادعای نویسنده به اروپایی ها پیغام داده اند که ادامه مذاکرات را به دولت بعدی محول کنند، نویسنده این مسئله را به عنوان یکی از چالش های فراوری تیم هسته ای بیان می کند و در چندین جای کتاب به این مسئله اشاره می کند.

در صفحه ۴۶۰ بار دیگر مؤلف به همین مسئله اشاره می کند و می نویسد: تردید انگلیس از اظهاراتی است که ادعا می کند برخی از نامزدهای ریاست جمهوری

ابهام در اشخاص و مطالب نگارش شده، شاید از ضعف هایی است که بیش از دیگر نکات منفی به ذهن خواننده متبادر می شود، به عنوان مثال عدم نام بردن از اشخاص مهم در جلسه سران و یا دیگر جلسات، ابهام گویی در مسائل داخلی و حزبی، ابهام در نام اشخاصی که علیه امنیت ملی و تنها در راستای منافع شخصی و حزبی قدم برداشته اند و یا ابهام در مطالب ارائه نگارش شده نمونه ای از انواع ابهاماتی است که در کل کتاب دیده می شود.

به نظر می رسد اگر نویسنده برای نام نبردن از اشخاص و یا مطالب دلیل موجهی داشته است، می بایست به نحوی اعلام کند که از بردن نام اشخاص و یا مطالب معذور است چنانکه در بعضی از جاهای کتاب به این معذوریت اشاره کرده است و با توجه به طبقه بندی بودن مطالب از نظر نویسنده از انتشار آن خودداری کرده است (صفحه ۳۵۹)، در حالیکه با توجه به کلیت کتاب، به نظر می رسد نویسنده به صورت سلیقه ای از بعضی اشخاص نام می برد و در جایی دیگر هم نام نمی برد؛ البته گاهی اوقات نیز به نظر می رسد نویسنده درگیر مسائل حزبی و غیر ملی شده است و در آنجا نیز نامی از اسامی برده نمی شود که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

■ نمونه هایی از ابهام و حذف بی مورد نام اشخاص و مطالب

۱. در صفحه ۳۲۱ و ذیل عنوان تصمیم سیاستمداران،

جمله جک استراو در یک جلسه غیر رسمی مشغول صرف ناهار بودیم، هنگامی که راجع به تیم هسته ای بحث شد، استراو گفته بود: در تیم قبلی، حرف های یکدیگر را می فهمیدیم ... ولی در تیم جدید نه ما می فهمیم آنها چه می گویند و نه آنها می فهمند که ما چه می گوئیم.

اینکه نویسنده تنها از عبارت مبهم یکی از اساتید دانشگاه استفاده می کند، برای خواننده این سؤال پیش می آید که استاد مورد نظر ایرانی بوده است و یا خارجی؟ اگر استاد دانشگاه ایرانی بوده است در جلسه غیر رسمی با جک استراو چه می کند؟ (نویسنده هیچ پاسخی به این موارد نمی دهد)

۴. یکی دیگر از نکات مبهم و حذف بی مورد، در مطالب نگارش شده و در ابتدای صفحه ۴۱۴ دیده می شود، مؤلف در ابتدای این صفحه می نویسد: من در اینجا پنج راه مورد نظر را توضیح دادم که شیراک گفته بود بهترین راه حل، راه چهارم است...، نویسنده اگر چه در صفا ۴۱۸ بار دیگر از این پنج راه حل سخن به میان می آورد، لکن در هیچ جای کتاب مشخص نمی شود که پنج راه حل چه بوده است؟

۳-۲. تعارض جدی در محتوای مطالب

از مواردی که در جای جای این کتاب دیده می شود، تعارضات تحلیل ها، اطلاعات و برداشت های مؤلف است و این تعارضات گاه از حد جزئی گذشته و به تعارض های بنیادی تبدیل می شود، تعارض هایی که گاه با اصول انقلاب و بیانات بنیان گذار انقلاب در

ایران، مطرح نموده اند و وعده داده اند که در صورت پیروزی، موضوع را به سرعت حل و فصل می کنند... همین مسئله به بیان دیگری در صفحه ۴۹۵ تکرار شده است و در آنجا عبارت جدیدی اضافه می شود، نویسنده می نویسد: در این مقطع، یکی از مشکلات ما همین پیام های برخی از نامزدها و یا اعضای ستاد آنها بود...

۳. نویسنده در صفحه ۵۹۸، نظر جک استراو درباره تیم های هسته ای ایران می نویسد: یکی از اساتید دانشگاه می گفت در زمستان ۸۴ وقتی با جمعی از





رسیده و خود آنها فهمیده اند که دیگر راهی ندارند و راه نجات را ایران می دانند... البته این گونه ادعاها آرمان نیست، بلکه توهام ناشی از خود شیفتگی و کم تجربگی است!!!

یا نویسنده در صفحه ۹۳ می نویسد: ممکن است بخواهیم جهان را اصلاح کنیم، ولی آیا توانسته ایم مشکلات ایران و حتی تهران را حل کنیم؟...

در صفحه ۹۵ نویسنده نسبت به کسانی که با روند مذاکرات تیم هسته ای مخالف بودند و نسبت به آن نقد داشتند به عنوان تندروهای جناح چپ و راست معرفی می کند و به راحتی به منتقدین لقب تندرو و افراطی می چسباند!!!

ایشان همچنین در صفحه ۱۰۴، کسانی که نسبت به بیانیه تهران اعتراض داشتند را با القاب ناپسندی خطاب می کند و می نویسد: تحرک نیروهای بی تجربه، قدرت طلبی عده ای جاه طلب، ترس از اینکه موضوع به نتیجه نهایی نرسد، همه و همه در ایجاد جو

تضاد است!!!

به نظر می رسد نویسنده در نگارش کتاب دوره های مختلفی را طی کرده است و یا دو نویسنده در نگارش کتاب دخیل بوده اند و همین امر سبب تعارض های جدی در بعضی از مبانی شده است.

■ نمونه هایی از تعارض های جدی در کتاب

۱. یکی از مواردی که تعارض هایی در مطلب نویسنده دیده می شود، اشاره نویسنده به عدم تقوای سیاسی و حاکم نبودن اخلاق در سیاست است، وی در صفحه ۲۷ از انتقام جویی ها و تسویه حساب ها می نالد و این اعمال را تقیح می کند و ضد منافع ملی و آینده کشور معرفی می کند، اما خود نویسنده در چند جای کتاب اقدام به بی اخلاقی و انتقام گیری از دیگران می کند.

ایشان در صفحه ۱۰۰ می نویسد: ما به لحاظ ذهنی و تجربی به این چارچوب عادت نکرده ایم، در نتیجه بحث ها پس از چند جلسه به دعوا و تخاصم کشیده می شود، هر دو طرف به یکدیگر نسبت خیانت، ساده لوحی، انفعال، مرعوب بودن و افراطی گری و بی تدبیری می دهند و بساط بحث و مذاکره بر چیده می شود.

نویسنده در صفحه ۷۳ و ذیل عنوان آرمان گرایی یا اسارت در توهامات می نویسد: متأسفانه گاهی در کشور توهامات، منبای تصمیم گیری قرار می گیرد، مثلاً این تفکر که غرب به فروپاشی کامل رسیده و نظرات علمی اقتصادی و سیاسی غرب به بن بست

یک از دو طرف نسبت به دیگری وجود دارد، آمریکا ایران را در تقابل با منافع منطقه ای و بین المللی خود می داند و ایران نیز آمریکا را بزرگترین دشمن خود تلقی می کند.

در صفحه ۵۴ نیز می نویسد: گزارش اطلاعات کارشناسی به صورت ناقص به مسئولین رده بالا و بی



روحانی در کنار دو وزیر خارجه اروپایی

اعتمادی به غرب و سازمان های بین المللی همواره مشکل آفرین بوده است!!!

در صفحه ۶۶ کتاب می نویسد: همیشه در ذهن برخی از مسئولین، گویی نوعی اضطراب وجود دارد که دشمنان قوی پنجه مشغول توپنه و برنامه ریزی علیه نظام اسلامی هستند و همواره برای بقای نظام احساس خطر می کنند.

و در آخر در صفحه ۶۸ می نویسد: در مسئله مهم هسته ای که به امنیت ملی و منافع ملی ما ارتباط دارد، این گونه تردیدها [بدبینی نسبت به غرب] نباید مورد

وجود آمده تأثیر گذار بودند.

نویسنده نه تنها به صورت مبهم به این افراد، گروه ها و اقدامات آنها اشاره می کند بلکه به دلیل مخالفت آنها با تیم مذاکره کننده هسته ای القابی همچون هوچی گر، تندرو، جاه طلب و ... را به آنها می چسباند و این با اظهارات نویسنده در ابتدای بحث در تعارض جدی است!!!

البته استفاده از این القاب در جاهای مختلفی به غیر از موارد اشاره شده نیز وجود دارد، صفحات ۳۴۰، ۳۳۹



انترشی دکلمجونی به ستاکرت سمدیاد

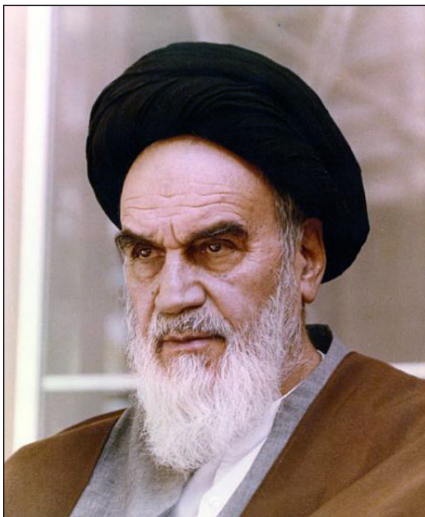
نمونه ای از این برجسب زنی هاست.

۲. از دیگر تعارضات جدی در کتاب، حمایت بی دلیل مؤلف از خوش بینی به غرب است و اینکه نباید نسبت به غرب همیشه بدبین بود زیرا بدبینی به غرب مشکل ساز بوده است بلکه باید به اوضاع و شرایط توجه داشت، ایشان در صفحه ۱۴ می نویسد: در واقع در همه موضوعات، نوعی پیش داوری از سوی هر

دچار تعارض درونی است!!!
 فارغ از اشاره به تعارض های کتاب با اظهارات فوق،
 نقدی جداگانه به این نوع طرز فکر وجود دارد. قبل
 از ذکر سومین مورد از تعارضات محتوایی لازم است
 نگاه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله
 العالی) در این خصوص تبیین گردد.

نگاه بنیان گذار انقلاب اسلامی ایران به جهان استکبار

در جامعه اسلامی چهار نوع طرز فکر درباره استکبار
 وجود دارد، گروه اول، استکبار را به طور کامل معاند و
 استعمارگر می داند و هیچ نقطه روشنی در جهان استکبار



توجه قرار گیرد، اینها هم مسائلی است که گاهی
 مشکل آفرین می شود.
 نویسنده در این عبارات بدینی نسبت به غرب را به
 طور کامل نمی کند و تا جایی پیش می رود که
 تردید و بدینی نسبت به غرب هنگام وسط آمدن
 منافع و امنیت ملی را غلط و مشکل ساز معرفی می
 کند!!!

حال به دیگر عبارات های متعارض مؤلف در جای کتاب توجه کنید:

مؤلف در صفحه ۹۰ و ذیل عنوان سازمان ملل و
 محیط بیرونی، به این واقعیت اعتراف می کند که
 سازمان های بین المللی عملا از ابتدای انقلاب به
 خصوص دوران جنگ و بعد از آن، نسبت به ایران
 عادلانه رفتار نکردند و همواره ضد ملت ایران تصمیم
 گیری کرده اند، نویسنده در صفحه ۹۱ می نویسد: به
 طور کلی مصوبات سازمان ملل را غالبا غیر عادلانه
 دانسته و خود را مکلف به اجرای مصوبات آن نمی
 دانستیم، چه در جنگ ایران و عراق، چه در مسئله
 هسته ای و چه در بحث حقوق بشر، هیچگاه نپذیرفتیم
 که سازمان ملل داوری عادل و بی طرف است.
 شورای امنیت سازمان ملل با توجه به نحوه عملکرد
 و ترکیب اعضای آن و نفوذ آمریکا در آن همیشه از
 نظر ما فاقد عدالت و بی طرفی ارزیابی شده است!!!
 نویسنده در دو صفحه ۹۰ و ۹۱ عملا با مبانی و
 برداشت های خود درباره خوش بینی نسبت به غرب،
 مخالفت کرده و تعارض جدی در این دو صفحه با
 نظرات گذشته نویسنده درباره خوشبینی به غرب دیده
 می شود، به نظر می رسد که نگارنده این دو بخش با
 یکدیگر متفاوت هستند و یا نویسنده از نظر فکری

دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و سلم - ابر قدرت ها، خصوصاً آمریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است. [صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۶] آمریکا شماها را برای نفتان می خواهد، شما را برای این می خواهد که بازار درست کند، که نفتان را ببرد و بنجل ها را بیاورد به شما بفروشد. [صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۰۵] با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد مگر این که آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد. [صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۹۵]

مقام معظم رهبری نیز درباره نظام استکبار، می فرمایند:

من معتقدم، آن کسانی که فکر می کنند ما باید با رأس استکبار یعنی آمریکا مذاکره کنیم، یا دچار ساده لوحی هستند، یا مرعوبند. من بارها این نکته را عرض کرده ام



نمی بیند و حتی اگر استکبار عوض شود دید این گروه نیز عوض نخواهد شد، گروه دوم بسیار خوشبینانه به غرب نگاه می کنند و ظلم استکبار به دیگران را همواره توجیه می کنند، گروه سوم به شکل سلیقه ای گاهی نگاه سیاه و سفید (بدبینانه) و گاهی رنگی (خوشبینانه) به موضوع استکبار و قدرت های استعمارگر دارند و گروه چهارم نیز به صورت منطقی به رفتار استعمار نگاه می کنند و تا استعمار چهره درست و قابل قبولی ارائه نکند، نگاه منفی خود را نسبت به استعمار تغییر نخواهند داد.

امام خمینی (ره) درباره نظام استکبار می فرمایند:

سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است

نمی رسند. [صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۴]

آمریکا از انگلیس بدتر انگلیس از آمریکا بدتر شوروی از هر دو بدتر همه از هم بدتر همه از هم پلیدتر اما امروز سر و کار ما با این خبیث هاست با آمریکاست. [صحیفه نور،

ج ۱، ص ۱۰۵]

آمریکا این تروریست بالذات، دولتی است که سر تاسر جهان را به آتش کشیده، و همپیمان او صهیونیسم جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود، جنایاتی مرتکب می شود که قلم ها از نوشتن و زبان ها از گفتن آن شرم دارند.

[صحیفه نور، ج ۲۱، وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی

(ره)]

به نظر می‌رسد عبارت‌های فوق از امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری گویای این واقعیت است که نباید به آمریکا ساده‌لوحانه نگاه کرد و خوشبین بود بلکه می‌بایست در ارتباط با این مستکبرین جهان چه مستقیم و چه غیر مستقیم، انجام هرگونه توطئه‌ای را پیش‌بینی کرده و جوانب احتیاط را بسیار جدی گرفت و هیچ‌کس خوش‌بینی نسبت به این قدرت‌های استکباری نداشته باشیم.

- ادامه تعارضات محتوایی

۳. از دیگر تعارض‌های جدی در این کتاب، نگاه نویسنده به نیت و تلاش غرب درباره محرومیت ملت ایران از حق غنی‌سازی هسته‌ای است، ایشان در ابتدای صفحه ۴۵۴، دیدگاهی را که می‌گوید: اعتمادسازی با اروپا و کار با آژانس فایده‌ای ندارد چون همه اینها پشت پرده با هم یکی هستند که نگذارند غنی‌سازی آغاز شود، را، به عنوان نظر تند معرفی می‌کند.

در کنار این اظهار نظر نویسنده، در چند جای مختلف مؤلف نظر خود را با نقل قول‌هایی که از طرف غربی می‌آورد، نقض می‌کند.

ایشان در صفحه ۴۰۲ به نقل از شیراک می‌آورد: من به تاریخ و فرهنگ ایران احترام می‌گذارم و در مقابل بوش از ایران دفاع کردم، اما تولید سوخت از جانب شما را بر نمی‌تابم، نمی‌توان از این خط عبور کرد؛ انگلیس، روسیه، چین و اروپا هم حاضر نیستند این گام را بردارند که به ایران اجازه دهند تا سوخت هسته

که استکبار، بیش از این که نان قدرت و توانایی خودش را بخورد، نان هیبت و تشر خودش را می‌خورد. اصلاً استکبار، با تشر و ابهت و شکلک درآوردن و ترساندن این و آن، زنده است. مذاکره، یعنی چه؟ صرف این که شما بروید با آمریکا بنشینید حرف بزنید و مذاکره کنید، مشکلات حل می‌شود؟ این طوری که نیست. [سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسئولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلم و روز جهانی کارگر، ۱۲/۲/۶۹]

برقدرتها که دشمنان سوگند خورده‌ی انقلاب اسلامیند، هرگز علت دشمنی خود با جمهوری اسلامی را به صراحت بیان نکرده‌اند و نخواهند کرد. اگر آمریکا اعتراف کند که انگیزه‌ی دشمنی او با ایران، دشمنی با اسلام است، یک میلیارد مسلمان جهان را در برابر خود قرار خواهد داد و اگر اعتراف کند که انگیزه‌ی او از این دشمنی آن است که ایران اسلامی خواسته است مستقل و آزاد و به دور از دخالت امریکا زندگی کند، همه‌ی آزادگان و آزادی خواهان عالم را در برابر خود قرار خواهد داد. [پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۰/۳/۶۹]

این توطئه‌هایی که در این سی سال علیه نظام جمهوری اسلامی از سوی دشمنان گوناگون البته در رأس آنها آمریکا و خبیث‌ترین آنها انگلیس انجام دادند، به خاطر این است که اینها مرعوبند؛ از حرکت اسلامی، از بیداری اسلامی، از به خود آمدن دنیای اسلام می‌ترسند. [بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر، ۱۵/۷/۸۷]

بودیم.

۴-۲. آشکار سازی سیاست های نظام

یکی از مشکلات اساسی کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای، افشا و آشکار کردن راهبردها، نظرات، دغدغه ها و تذکرات سران و شاید نقاط ضعف نظام در برهه ای از تاریخ انقلاب بوده است.



ای برای مصارف غیر نظامی تولید کند.

در صفحه ۴۱۸ به نقل از شرودر می نویسد: صحیح ترین راه این است که از غنی سازی چشم پوشی کنید، انصراف از غنی سازی ما را از تمامی مشکلات بعدی نجات می دهد.

نویسنده در جای دیگری از کتاب، خود به هدف غرب اعتراف می کند، وی در صفحه ۴۵۷ می نویسد: اروپایی ها مایل اند شرط حل و فصل مسائل ایران در آژانس و کشیده نشدن موضوع به شورای امنیت را توقف برنامه هسته ای ایران قرار دهند.

در صفحات ۴۷۳، ۴۷۴، ابتدای صفحه ۵۱۸، نظر استراو در مورد غنی سازی در صفحه ۵۲۲ و صفحه ۵۲۷ نمونه ای از نظرات غرب مبنی بر تعلیق غنی سازی اورانیوم برای همیشه است.

نویسنده در صفحه ۵۷۰ و در تعارضی جدی با آنچه که در صفحه ۴۵۴ به عنوان دیدگاه تند می خواند، درباره هدف غرب می نویسد: هدف اول اروپا، تعلیق، سپس گسترش دامنه تعلیق و بالاخره طولانی کردن زمان تعلیق و هدف نهایی آنها توقف برنامه غنی سازی بود، ما نیز از هدف آنها به خوبی آگاه

همواره درباره نگارش موضوعات مهمی که پای مسئله امنیت ملی و منافع عمومی در وسط است، مسئولین می بایست با احتیاط و تعقل بیشتری قدم بردارند و از سوی دیگر بر مبنای "هر راست نشاید گفت"، الزامی برای مطرح کردن تمامی موضوعات و حواشی مسائل امنیتی وجود ندارد.

از سوی دیگر آقای روحانی در ابتدای کتاب و درباره نگارش این موضوع در صفحه ۲۱ می نویسد: می دانم که خوانندگان فهیم می دانند که همه اتفاقاتی که در آن برهه کوتاه کمتر از دو سال به وقوع پیوسته، در

■ نمونه‌هایی از مطالبی که انتشار آنها عجیب به نظر می‌رسد

۱. نویسنده در صفحه ۳۹، باره موافقان تمدید معاهده NPT، می‌نویسد: موافقان طرح NPT همچنین می‌گفتند که اگر با تمدید NPT موافقت نکنیم، روس‌ها هم ممکن است نیروگاه بوشهر را رها کنند، و حتی تأمین سوخت رآکتور تهران هم احتمالاً با مشکل مواجه می‌شود و هرگونه فعالیت هسته‌ای ما از جمله قراردادهای منعقد شده با چین هم ممکن است دچار مشکل شود، در نتیجه نه تنها در بحث هسته‌ای به ما فشار می‌آورند، حتی در مسیر اعتماد سازی با همسایگان نیز دچار مشکل می‌شویم...

در صفحه ۷۷ کتاب مؤلف به بحث مهم و مهم اشاره کرده و می‌نویسد: البته در شرایطی که اینگونه حمایت‌ها (حمایت از آرمان‌ها مقابل منافع ملی)، بهای آن را به حدی افزایش دهد که برای اصل نظام خطرناک باشد، دیگر حاضر نیستیم آن را ادامه دهیم، اینجا بحث مهم و مهم است و همانگونه که امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری فرمودند: حفظ نظام از اوجب واجبات است.

در صفحه ۱۲۵ به نقل از نماینده ایران در آژانس (صالحی) می‌نویسد: ظاهراً همه این نگرانی را درک کرده بودند تا حدی که نماینده ایران در آژانس هشدار داده بود که کشف آلودگی سطح بالا در نظنز سبب خواهد شد که نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان.

این کتاب گفته نشده است. موضوع این کتاب که شرح پرونده هسته‌ای کشور است، هنوز در پیچ و تاب تهدیدات قدرت‌ها و مذاکرات سیاسی است و بدیهی است که تا سال‌ها و به ویژه زمانی که این پرونده در جریان باشد، مصلحت کشور و نظام ایجاب می‌کند که از پرداختن به برخی جزئیات و ذکر برخی مسائل اجتناب شود.

جالب است که جناب آقای روحانی خود بر این مسئله معترفند که پرونده هسته‌ای کشور در حال حاضر نیز در جریان است و کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا به دنبال هر نقطه ضعفی برای شکست دادن جمهوری اسلامی ایران و ضربه زدن به کلیت نظام است و اطلاعات به دست آمده از حریف بیش از



رئیس‌جمهور و اعضای هیئت‌مدیره

۹۵ درصد از اطلاعات آشکار به دست می‌آید، حال معلوم نیست با چه توجیهی نسبت به انتشار این کتاب، اقدام شده است.

مسئولان نظام اسلامی، افرادی پیدا می شوند که با کمترین تهدید و بحرانی قافیه را باخته و مقابل دشمن کوتاه می آیند مانند محتوا و معنای نامه نماینده سابق ایران در آژانس (صفحه ۱۲۵)، لکن جاری ساختن این استثنا درباره همه مسئولان نظام جفای آشکاری



در صفحه ۱۲۹، نویسنده ادعا می کند به دلیل ترس از حمله آمریکا به ایران مانند حمله به عراق، ایران با اروپا مذاکره می کرد، ایشان می نویسد: از سوی دیگر، چون حمله به عراق در واقع به بهانه سلاح کشتار جمعی صورت گرفت، تشابه اتهامات علیه ایران با عراق، نگرانی هایی را به وجود آورده بود.

تمام نمونه های ذکر شده یک پیام را به مخاطب مخابره می کند و آن تشدید فشار بر نظام اسلامی به خاطر امتیاز گیر است.

البته تمام نمونه های ذکر شده، تحلیل ها و برداشت های نویسنده است و قطعاً نظام اسلامی با تهدید و زور و تحت فشار قرار دادن، میدان را خالی نکرده و امتیاز نخواهد داد، کما اینکه در هشت سال جنگ تحمیلی به کل نظام استکبار و همه جهانیان فهماند که ایران، زیر بار حرف زور نمی رود و ظلم به خود را به صورت مستقیم تلافی خواهد کرد.

البته نباید این مسئله را کتمان کنیم که گاهی میان

به مسئولان کشور است.

●●● از دیگر مسائل مطرح شده در این کتاب، بحث اقتصادی و ارتباط برقرار کردن با موضوع هسته ای است، نویسنده در صفحه ۱۳۹ می نویسد: به یاد دارم آن روز که سه وزیر اروپایی به تهران آمدند و توافقی حاصل و قفل اقتصاد باز شد، آیت الله مهدوی کنی از قول تعدادی از بازاریان تهران گفتند که بعد از چند ماه، تازه قفل اقتصاد کشور باز و بسیاری از دلهره ها و نگرانی ها رفع شده است.

●●● نویسنده همچنین در صفحه ۱۴۴ و ذیل عنوان شرایط اقتصادی می نویسد: در آن مقطع روابط

دولت نهم و خبر شکستن تعلیق نطنز می نویسد: در واقع پس از ارجاع پرونده به شورای امنیت مجبور شدند تا نطنز را راه اندازی کنند، نه اینکه برای راه اندازی آن برنامه ریزی کرده باشند.

۲-۵. نقد بی پرده رئیس جمهور کشور

یکی از دیگر از موارد منفی کتاب، اهانت مؤلف به آقای احمدی نژاد است، به نحوی که وی گاهی به صورت مستقیم و گاهی غیر مستقیم افکار و نظرات رئیس دولت نهم و دهم را توهمات ناشی از خودشیفتگی و کم تجربگی معرفی می کند، به عنوان مثال ایشان در صفحه ۷۳ تحت عنوان آرمان گرایی یا اسارت در توهمات می نویسد: متأسفانه گاهی در کشور توهمات، مبنای تصمیم گیری قرار می گیرد، مثلاً این تفکر که غرب به فروپاشی کامل رسیده و نظرات علمی اقتصادی و سیاسی غرب به بن بست رسیده و خود آنها فهمیده اند که دیگر راهی ندارند و راه نجات را ایران می دانند... البته این گونه ادعاها آرمان نیست، بلکه توهمات ناشی از خود شیفتگی و کم تجربگی است!!!

مؤلف در کنار اهانت به رئیس دولت نهم و دهم، نابخستگی، بی تجربگی و عدم آشنایی احمدی نژاد با نظام استکبار را به دور از اخلاق و تقوای سیاسی نگارش کرده است، ایشان در صفحه ۵۹۱ و تحت عنوان اولین و آخرین ملاقات کاری با رئیس جمهور جدید، به جلسه خود با احمدی نژاد اشاره کرده و نظر رئیس جمهور درباره تشکیل جلسه اضطراری



حسن روحانی در کنار آیت‌الله مهدوی کنی

اقتصادی ما با جهان به ویژه با غرب، دچار مشکل شده بود، اگر وامی می خواستیم با پروژه مهمی داشتیم، انجام آن منوط به این بود که پروتکل الحاقی را بپذیریم. وزرای اروپایی به وزیر امور خارجه ایران گفته بودند اگر پروتکل الحاقی را نپذیرید، روابط اقتصادی ما با ایران متوقف می شود، ژاپنی ها به صراحت اعلام کردند که وام و طرح های نفت و گاز ما با ایران متوقف می شود... مردم پس از قطعنامه شهریور ۱۳۸۲ و تبلیغات غرب نگران شده بودند.

●●● همین دو مورد برای جهان استکبار کافی است که به نتیجه انحرافی برسد و تحریم های سنگین تر اقتصادی را سبب کوتاه آمدن ایران مقابل خواست غرب بپندارد.

آیا گره زدن بحث اقتصادی و نگرانی افکار عمومی به قطعنامه های شورای امنیت و بحث هسته ای در این زمان، صحیح است؟

●●● نویسنده در صفحه ۶۰۸ و زمان روی کار آمدن

مسئولین ارشد دولتی، خلاف اخلاق و تقوای سیاسی است و این با اظهارات نویسنده مبنی بر نیاز کشور به اخلاق و تقوای سیاسی در کارها منافات دارد.

۳. نقاط ضعف جزئی

منظور از نقاط ضعف جزئی اشکالاتی است که فارغ از میزان اهمیت و میزان تکرار آنها در کتاب به موضوع یا صفحه و یا صفحه و یا مطلب خاصی مربوط می‌شوند و برای اصلاح آنها نیز نیازی به اصلاح آن موضوع یا مطلب و یا صفحه خاص است. برخی از این اشکالات عبارتند از:

۳-۱. تعارض در متن

۱- نویسنده در صفحه ۴۷ به فقر دستگاه سانتریفیوژ فعال در سال ۱۳۸۱ در کشور اشاره می‌کند و می‌نویسد: تنها یک دستگاه سانتریفیوژ وارداتی فعال بود، لکن در صفحه ۱۱۴ می‌نویسد: کشور در این سال (۱۳۸۱) با انجام غنی‌سازی توسط چند دستگاه سانتریفیوژ، موفق به غنی‌سازی اورانیوم شد، در این فرایند یک آبشار کوچک ده تایی برای غنی‌سازی فعال شد و ...!!!!

۲- در صفحه ۴۷۸ و در سطر دوم شماره ۳، مؤلف می‌نویسد: پایان تعلیق نمی‌تواند دیرتر از پاییز ۱۳۸۴ باشد ...، اما در صفحه ۴۷۹ در بند شماره ۳، می‌نویسد: باید انبارهای زیر کوه و زیر زمین نظیر آماده شوند، که دستیابی به تمامی این موارد تا زمستان سال ۱۳۸۴، به طول خواهد انجامید.

شورای حکام را اینگونه بیان می‌کند: [احمدی‌نژاد گفت]: آژانس حق ندارد چنین کاری بکند چون ما کار خلافی نکرده‌ایم، خوب است با البرادعی تلفنی صحبت کنید، گفتم این طور نیست که مدیر همه کاره باشد، اعضای شورای حکام آژانس، سفرای ۳۵ کشور هستند که بر اساس گزارش مدیر کل تصمیم می‌گیرند... [احمدی‌نژاد پرسیدند چرا آژانس تحت نفوذ غرب است]، گفتم برای اینکه هم بیشتر بودجه آژانس را آنها می‌دهند و هم بر اکثر کشورهای عضو، نفوذ دارند، ایشان گفتند هزینه‌های آژانس در سال چقدر است؟ گفتم نمی‌دانم، مثلاً چند صد میلیون دلار، گفتند شما همین حالا به البرادعی زنگ بزنید و بگویید ما کل مخارج آژانس را می‌دهیم، گفتم اولاً آژانس نمی‌تواند بپذیرد چون برای مخارج آژانس و بودجه آن، مقرراتی وجود دارد و ثانیاً ما هم چنین حق و اختیاری نداریم چون اگر به جایی بخواهیم کمک بلاعوضی کنیم، مجلس باید تصویب کند، گفتند [احمدی‌نژاد] من به شما می‌گویم، شما چه کار دارید؟

یا نویسنده در صفحه ۵۹۶ و تحت عنوان تیم جدید با رویکردی جدید، پایان عملی مسئولیت خود در موضوع هسته‌ای را اینگونه بیان می‌کند: عملاً از روز یکشنبه ۸۴/۵/۱۶ پس از ملاقات با آقای احمدی‌نژاد و پیشنهاد پرداخت کل هزینه آژانس، پایان مسئولیت من شکل گرفت.

به نظر می‌رسد این نحو بیان درباره اشخاص آن هم

بازهم معلوم نیست منظور نویسنده از اصول و روش علمی چیست و چگونه باید از اینها استفاده کرد؛ از سوی دیگر، نویسنده به انطباق مسائل تاریخی بر مسائل معاصر خرده گرفته و این روش را غیر علمی معرفی می کند!!!

■ یکی دیگر از نکات مبهم و جالب کتاب، نتیجه گیری مؤلف از آیه قرآن است، ایشان در صفحه ۷۸ به آیات ۶۵ تا ۶۶ سوره مبارک انفال اشاره کرده و می گویند: خود قرآن در زمانی که وضع مسلمانان از لحاظ روحیه عالی بوده، می گوید ۱ به ۱۰، یعنی اگر دشمنان شما ده برار بودند می توانید بجنگید، اما اگر مثلاً بیست برابر شما بودند، دیگر حق حمله را ندارد. بر اساس این نتیجه گیری مبهم و در خور توجه نویسنده، عملاً نهضت عاشورا مخالف بیان آیه قرآن بوده است و سپاه امام حسین (ع) نباید وارد جنگ می شده است زیرا نسبت سپاه امام به دشمن ۱ به ۱۰ نبوده است!!!

■ یکی از موضوعاتی که توجه خواننده را به خود جلب می کند، استفاده مؤلف برای توجیه و مشروعیت بخشی به تمامی اقدامات خود است و در این راه بیشترین استفاده را از نقش ولی فقیه و استفاده کلی از بیانات مقام معظم رهبری در تأیید کارهای خود است، لکن آنچه سبب ابهام در متن می شود بعضی از جملات کلی نویسنده است که هیچ مبنایی برای آن ارائه نمی کند، به عنوان مثال ایشان در صفحه ۸۵ و تحت عنوان گفتنمانها و رویکردهای مختلف، به

۳-۲. ابهامات فراوان در کل کتاب

از دیگر نقاط ضعف این کتاب که می توان آن را به عنوان نقطه ضعف کلی کتاب مطرح کرد، وجود نکات فراوان و مبهم در کتاب است، ابهاماتی که مؤلف هیچ توضیحی درباره آنها نداده است و تنها به ابهامات خواننده افزوده می شود؛ ابهاماتی چه در محتوا، چه در الفاظ و چه در اشخاص. نمونه هایی از ابهامات کتاب عبارتند از:

■ مؤلف در صفحه ۶۴ و ذیل عنوان آسیب شناسی تصمیم گیری به شیوه های تصمیم گیری در ایران اشاره کرده و می نویسد: مقایسه شیوه ها و شکل کار در ایران در زمینه تصمیم سازی و تصمیم گیری با سایر کشورها امری ضروری است، برای نمونه بررسی نظام تصمیم گیری در کشورهایی همچون هند، مالزی و برزیل و کشورهای صنعتی در مقایسه با نظام تصمیم گیری ایران، پیش و پس از انقلاب لازم و مفید است. فارغ از ادعای نویسنده مبنی بر ضروری بودن و لازم بودن مقایسه و استفاده از شیوه های تصمیم گیری در دیگر کشورها، مؤلف در اینجا به کشورهایی اشاره می کند که معلوم نیست چرا باید نظام تصمیم گیری در این کشورها مورد مطالعه قرار بگیرد؟

■ در صفحه ۶۶ مؤلف می گویند: هنگام تصمیم گیری در مسائل مهم، گاهی از اصول و روش علمی پیروی نمی شود، دست کم از انقلاب تا کنون، در برخی از موارد چنین بوده است.

همچون آمریکا به این نتیجه می‌رسد که هیچ هدف مشترکی میان جمهوری اسلامی ایران و کانون‌های قدرت وجود ندارد.

■ از دیگر نکات مبهم کتاب، تفسیر خاصی از معنای عزت در کلام مؤلف است، به عنوان مثال در صفحه ۹۶ نویسنده به ماجرای حمله ترکیه به هلی کوپتر به یکی از روستاهای ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: برخی می‌گفتند که ما هم مقابله به مثل بکنیم ولی ما مخالف بودیم و می‌گفتیم در این مرحله تنها اعتراض و کار سیاسی باید انجام گیرد؛ اگر مؤثر نبود، بعدا می‌توانیم تصمیم حادی اتخاذ کنیم... به هر حال در ماجرای ترکیه با عزت عبور کردیم.

اینکه مؤلف چه معنایی از عزت را مد نظر قرار داده است، بسیار مبهم است زیرا در این ماجرای که نویسنده به آن اشاره می‌کند هیچ نشانه‌ای از عزت دیده نمی‌شود.

۳-۲. استفاده از واژه جهان سوم برای ایران
در صفحه ۱۰۲، نویسنده به بحث ساختار و کار گزار در کشورهای مختلف اشاره می‌کند و می‌نویسد: در کشورهای پیشرفته این اثرات چشمگیر نیست و تغییر افراد تأثیر چندانی ندارد، مگر اینکه سیاست‌های کلی حکومت دستخوش تحولات و تغییرات بنیانی شود، اما در جهان سوم آثار تغییرات بیشتر مشاهده می‌شود، در کشور ما هم می‌توان اختیارات و مسولیت‌های تیم هسته‌ای را در تئوری ساختار - کار گزار مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

این مسئله اشاره می‌کند که تمامی تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس گفتمان مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور و اکثریت مردم بوده است، حال آنکه گفتمان اکثریت مردم گاهی اوقات با تصمیم‌های تیم هسته‌ای در آن زمان متفاوت بوده است.

■ بحث تحرکات نظامی آمریکا و آماده شدن این کشور برای عملیات نظامی یکی دیگر از موارد مبهمی است که نویسنده در آن به اطلاعاتی اشاره می‌کند که خواننده مبنایی برای آنها پیدا نمی‌کند و دلیل اینکه این مطالب منتشر می‌شود هم معلوم نیست؛ نویسنده درباره این موضوع می‌گوید: مثلاً اگر آمریکا بخواهد به ما حمله کند تحولات پایگاه دیه گو گارسیا، ناوگان خلیج فارس، تحرکات سیاسی کنگره، وضع رسانه‌ها و بقیه علائم و قرائن می‌تواند به ما کمک کند تا از تصمیم واقعی پنتاگون با خبر شویم!!!

■ یکی دیگر از نکات مبهم در محتوای کتاب، اشاره نویسنده در صفحه ۹۳ به تغییر روابط با کانون‌های قدرت بین‌المللی از مخاصمه به رقابت است!!!

معلوم نیست منظور تغییر مخاصمه به رقابت در چه حوزه‌ای است؟ به عنوان مثال آیا ایران می‌بایست در تخریب اسلام و شیعه با آمریکا و انگلیس رقابت داشته باشد؟ آیا ایران می‌بایست در ظلم کشورهای مستکبر همچون آمریکا با این کشور رقابت داشته باشد؟ اصولاً رقابت زمانی مطرح می‌شود که دو طرف اهداف مشترکی داشته باشند حال آنکه هر عقل سلیم و منصفی با تحلیل رفتار کانون‌های قدرت

۳-۴. تعارض محتوایی با اصول اسلامی

در ابتدای صفحه ۷۷، نویسنده به بحث بقا و ارتباط آن با سیاست خارجی اشاره می‌کند و می‌نویسد: بقا اصل اساسی شکل دهنده به سیاست خارجی کشورهاست؛ ما هم به دنبال بقا هستیم، پس در برخی موارد، سیاست خارجی ما تفاوت ماهوی با سیاست خارجی دیگر کشورها ندارد.

این اظهارات نویسنده، با اصول اسلام و انقلاب تعارض جدی دارد، در آیه مبارکه ۱۶۹ سوره آل عمران می‌خوانیم "وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ" - هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند، از سوی دیگر این اظهار نظر نویسنده با فلسفه حادثه عاشورا نیز کاملاً در تضاد است.

۳-۵. بی‌توجهی به نوشتار

نویسنده در انتهای صفحه ۱۲۷، به نقل از البرادعی می‌نویسد که ایران بر سر یک دوراهی قرار گرفته است، لکن با توجه به توضیحات نویسنده، دو راهی تبدیل به سه راهی می‌شود، مؤلف می‌نویسد: شما بر سر یک دو راهی قرار دارید. بدین معنی که اروپا بر غنی‌سازی و آمریکا بر همه‌فعالیت هسته‌ای شما متمرکز شده‌اند، یا باید از طریق تعامل با اروپا، نقشه آمریکا را خنثی کنید، یا با آمریکا مذاکره کنید و یا اینکه همه چیز را از دست بدهید.

۳-۶. استفاده از مثال‌ها، تحلیل‌ها و اطلاعات

میهم، بدون پشتوانه و بعضاً غلط

مؤلف در صفحه ۶۹ و تحت عنوان مدیریت بحران، ایجاد معضل در نظام اسلامی و عدم توانایی مدیران کشوری برای حل بحران را به چند دلیل ذکر می‌کند، نویسنده می‌گوید: به لحاظ ساختاری احتمال وجود چند دلیل برای بروز چنین اتفاقاتی در کشور وجود دارد، نخست اینکه نظام از هر کنش اجتماعی نگران است و به سرعت در بالاترین سطح، واکنش نشان می‌دهد، ...

فارغ از اینکه این تحلیل نویسنده صحیح یا غلط است، انتشار این دست تحلیل‌ها و مثال‌ها در کتاب به عنوان افشای اطلاعات و تحلیل‌های طبقه بندی شده محسوب می‌شود و نباید بدین صورت منتشر شود.

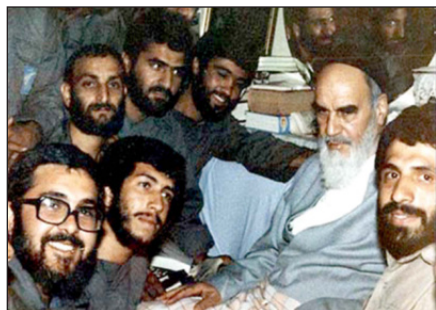
و یا در جای دیگری نویسنده در صفحه ۵۴ و ۵۵ ذیل عنوان چالش‌های تصمیم‌گیری و اینکه عده‌ای می‌توانند حرف غلط خود را با هیاهو، جنجال و تبلیغات و یا به واسطه ارتباط با افراد مختلف حرف خود را به کرسی بنشانند و تصمیم‌گیری را برای مسئولین نظام سخت و محدود کنند، به بحث پذیرش قطعنامه از سوی امام خمینی (ره) و یا ماجرای گروگان‌گیری اشاره کرده و می‌نویسد: برای نمونه در داستان گروگان‌گیری سفارت آمریکا، در مقطعی مسئولین تصمیم داشتند این مسئله را حل کنند، ولی کسی جرئت نمی‌کرد پای پیش‌گازدارد، جوی در داخل درست کرده بودند که باید شاه را به ما تحویل

دهند که او را محاکمه کنیم یا گروگان‌ها را محاکمه کنیم که در نهایت از طرف امام (ره) موضوع به تصمیم نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی واگذار شد.

دهند که او را محاکمه کنیم یا گروگان‌ها را محاکمه کنیم که در نهایت از طرف امام (ره) موضوع به تصمیم نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی واگذار شد.



گروه گان‌های سفارت آمریکا در تهران



امام خمینی (ره) در جمع فرماندهان و سپاهیان

کرد، این تصمیم امام درس مهمی از شجاعت و واقع‌نگری برای همه مسئولین است.

در مورد جنگ نیز کسی نتوانست تصمیم بگیرد، تا جایی که شرایط به گونه‌ای شد که به ناچار امام خود در شرایط سختی مجبور به تصمیم‌گیری شدند. این دو مثال مؤلف در این مورد نه تنها اشتباه و غلط است بلکه بی‌احترامی به امام خمینی (ره) و در تعارض با واقعیت تاریخی است، در ماجرای گروگان‌گیری شخص امام خمینی (ره) یک روز بعد از ورود دانشجویان به داخل سفارت با سخنرانی خود در جمع دانشجویان این مسئله را تأیید کرده و از این اقدام دانشجویان تمجید کرده و این اقدام را به انقلاب دوم تعبیر کردند، در ماجرای جنگ نیز امام تحت هیچ محدودیت و فشاری قرار نگرفته و تنها بر اساس

۷-۳. پذیرفتن بی‌مبنای سخن غربی‌ها

مؤلف در صفحه ۱۰۱، به نقل از غربی‌ها درباره



در جلسه سران که قول های اروپایی ها را در ابهام می بیند، جواب نادرستی می دهد که هم دفاع نایجا از غرب است و هم جواب غلطی است، ایشان به نقل از ان مقام مسئول می نویسد: شما (تیم هسته ای ایران) تعهد روشنی از طرف ایران به غرب داده اید، اما تعهد اروپا مبهم است، آنها می گویند "ما تلاش می کنیم" ولی شما "همکاری کامل می کنید"، موضوع جدید کشف نشود و تعلیق را نشکنید، همه اینها را شرط می کنند که هر سه شرط هم عملی شود، ولی آنها می گویند ما تلاش می کنیم تا پرونده بسته شود ... توضیح من (مؤلف) این بود که سه کشور اروپایی نمی توانند از طرف ۳۲ کشور دیگر به ما قول قطعی بدهند!!! آنها می توانند بگویند ما تلاش می کنیم، غیر از عبارت ما تلاش می کنیم نمی توانند عبارت دیگری به کار ببرند!!!

۳-۹. توجیه خیانت و خطر مجلس ششم

مؤلف در صفحه ۱۶۹ و ذیل عنوان مسائل پیش در

نگرانی آنها نسبت به حقوق مردم ایران می نویسد: مثلا اروپایی ها در مذاکرات خصوصی به اعضای تیم هسته ای گفته بودند که روند ایران برای ما مهم است، نگرانی آنها نسبت به آینده این بود که نظامی ها کاملا



روشنی در کنار استرو

بر کشور مسلط شوند و به زعم آنها نقش مردم کم رنگ بشود.

آیا واقعا غرب نسبت به حقوق مردم ایران نگران است؟ کدامین تلاش غرب از ابتدای انقلاب تا به حال، در راستای احقاق حقوق مردم ایران بوده است؟ آنچه از ظاهر و حتی پشت پرده ماجرا به نظر می رسد آن است که غرب به طور معمول به دنبال حقوق مردم ایران نبوده است، اینکه چرا نویسندگان به این راحتی چنین حرف نپذیرفتنی را می پذیرد، جای تأمل دارد.

۳-۸. توجیه و دفاع غلط مؤلف از سه کشور اروپایی

مؤلف در صفحه ۲۵۹، در جواب به یکی از مسئولین

طرف مسئولان نظام است، باید فرمایش امیرالمؤمنین (ع) را مدنظر قرار داد که می‌فرماید: من در حدی نیستم که خطا نکنم و یا از استماع نظرات دیگران بی‌نیاز باشم.

درباره این عبارت و استفاده مؤلف چند نکته ضروری به نظر می‌رسد که نیاز به تبیین آن است.

اصل متن عربی عبارت: *فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالَهُ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَ لِقَائِي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقَ أَنْ أخطِئَ وَلَا أَمُنَ ذَلِكَ مِنْ فَعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي*

ترجمه: پس، از گفتن حق، از مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم، مگر آن که خداوند

(کسیکه به من از خودم مالک تراست) مرا حفظ فرماید. [نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۲۰۱، خطبه ۴۲۱۶/الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۸، ص ۳۵۶، تحقیق و تصحیح و تعلیق علی‌اکبر الغفاری، ناشر: دارالکتب الإسلامیة - طهران، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۲ هـ ش]

در واقع معنای کلام امام علیه السلام این می‌شود: روشن است که امیرمؤمنان علیه السلام و نیز تمامی انبیاء همانند انسان‌های دیگر دارای دو قوه عقل و شهوت هستند. آن‌ها نیز همانند ما قادر هستند که اشتباه کنند و یا مرتکب گناه شوند؛ اما تفاوتی

آستانه مذاکرات تهران، به تلاش مجلس ششم مبنی بر تقدیم طرح سه فوریتی برای الزام دولت به پذیرش پروتکل الحاقی اشاره می‌کند که سبب تضعیف نظام و تیم هسته‌ای شده بود و مؤلف نیز تا حدی با این طرح مخالف است که تهدید به استعفا می‌کند، لکن در صفحه ۱۷۰ با توجیه خیانت مجلس ششم، می‌نویسد: به دلیل وجود نگرانی در کشور، همه صادقانه میخواستند کاری کنند که مشکل حل شود، ولی گاهی نتیجه این اقدامات، تضعیف موقعیت مذاکره‌کنندگان بود.

حال آنکه ایشان در صفحه ۶۶۱ به خطر مجلس ششم اشاره می‌کند و می‌نویسد: اگر در سال ۱۳۸۲ پرونده به شورای امنیت ارجاع داده می‌شد، مجلس ششم احتمالاً آمادگی کامل از ادامه فعالیت هسته‌ای را نداشت و کشور دچار مشکل می‌شد، نامه حدود ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس ششم به مقام معظم رهبری، برای توقف فعالیت هسته‌ای در سال ۱۳۸۲، مؤید این نظر است.

۱۰-۳. برداشت و ترجمه غیر دقیق از کلام امیرالمؤمنین (ع)

از دیگر نکات منفی در کتاب، برداشت و ترجمه غیر دقیق از خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه در بحث اعتراف به هرگونه اشتباه و قصور است، مؤلف در توجیه ادعای خود مبنی بر عدم انتقاد پذیری و ترس مسئولین مبنی بر اعتراف به گناه از این خطبه استفاده کرده و می‌گوید: بزرگترین شجاعت پذیرش اشتباه و خطا از

اشتباه نکرده است.

اگر کسی فقط نگاهش به صدر کلام امیر المؤمنین علیه السلام باشد و به ذیل آن توجهی نکند، مثل این است که صدر آیه شریفه ۱۱۰ سوره کهف را بخواند که می‌فرماید: قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ و ذیل

که آنها با بقیه مردم عادی دارند، در این است که لطف خداوند همیشه شامل حال آنها است، پس امام علیه السلام در این خطبه، نه تنها خود را معصوم می‌داند؛ بلکه سر منشأ این عصمت را نیز لطف خداوند می‌داند.

این گفته امیر مؤمنان علیه السلام دقیقاً بر طبق همان تعریفی است که شیعه از عصمت دارد؛ یعنی آنها قدرت بر انجام گناه را دارند؛ اما لطف خداوند همیشه شامل حال آنها است و آنها را از گناه و خطا باز می‌دارد؛ چنانچه تعریف عصمت از زبان شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه این چنین است: العصمة لطف يفعل الله تعالى بالمكلف بحيث يمتنع منه وقوع المعصية وترك الطاعة مع قدرته عليهما.

ترجمه: عصمت، لطفی از جانب خداوند است که شامل حال مکلف می‌شود و او را از وقوع در معصیت و ترک اطاعت باز می‌دارد؛ با این که آن شخص قادر به انجام آن دو است. [الشیخ المفید، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم ابي عبد الله العکبری، البغدادی (متوفای ۴۱۳ هـ)، النکت الإعتقادیة و رسائل اخری، ص ۳۷، تحقیق: رضا مختاری، ناشر: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م.]
عملاً نویسنده از این عبارت نه تنها برداشت اشتباهی کرده است بلکه با ناقص آوردن عبارت و ترجمه غلط، سبب کج فهمی از این عبارت می‌شود، زیرا در این عبارت امیر المؤمنین هیچ اعترافی به خطا و



تظاهرات دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)

آیه را کنار بگذارد: يُوحَى إِلَيَّ، آیا این نظر، نظر ظلم و جفا نگری نیست؟!

۱۱-۳. پیوند دادن بدون دلیل اعتراضات دانشجویی به جریانات حزبی کشور

از دیگر نکات قابل توجه در کتاب، اشاره نویسنده به چند اعتراض دانشجویی است یکی در تهران و در خلال مذاکرات سعدآباد و دیگری در دانشگاه شاهرود، بنابر نظر نویسنده، اعتراض دانشجویی در تهران توسط دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) بوده است ولی اعتراض در دانشگاه شاهرود توسط عده‌ای از دانشجویان بوده است، مؤلف در صفحه ۵۵۶

به آن، نکات قابل توجهی نیز در خلال مباحث کتاب مطرح می‌شود که به آن اشاره می‌شود:

■ تعجب رئیس تیم مذاکره کننده از اهمیت رسانه‌ای مسئله هسته‌ای ایران و عدم همکاری و تعامل سازنده تیم مذاکره کننده هسته‌ای با رسانه‌ها، یکی از مسائلی که خواننده در کتاب با آن روبرو می‌شود، به عنوان مثال در صفحه ۵۱۵ کتاب، مؤلف تحت عنوان آخرین مذاکرات با سه وزیر، می‌نویسد: جلسه با وزرای سه کشور به عنوان آخرین مذاکرات با سه وزیر، در تاریخ چهارم خرداد ۱۳۸۴ در ژنو برگزار شد، از نظر تبلیغاتی، بازتاب‌های این جلسه در سطح جهانی کمی تعجب برانگیز بود!!! از شخصی در سطح آقای روحانی بعید و دور از انتظار است که از اهمیت رسانه‌ای موضوع هسته‌ای ایران و تجمع رسانه‌ها در محل مذاکرات اینگونه اظهار تعجب کند، البته با توجه به محتوای کلی کتاب خواننده به این نتیجه می‌رسد که نقش رسانه و مطبوعات از نظر مؤلف مغفول واقع شده است و در ۶۷۸ روز مسئولیت در پرونده هسته‌ای عملاً تعاملی با رسانه‌ها دیده نمی‌شود و از سوی دیگر، مجموعه تیم مذاکره کننده هیچ برنامه‌ای برای استفاده از رسانه‌های داخلی و مقابله با رسانه‌های خارجی نداشتند.

■ از دیگر نکات قابل تأمل در کتاب، عدم اشاره مؤلف به بحث نسبت دادن و اتهام به جاسوسی آقای موسویان بوده است، نویسنده در چند جای کتاب به صورت کلی از تیم مذاکره کننده حمایت می‌کند ولی این مسئله که از کنار چنین موضوع مهمی بدون کوچکترین اشاره‌ای

می‌نویسد: تعدادی از دانشجویان دانشگاه امام صادق هم تظاهراتی به راه انداخته و به خیابان سعدآباد آمده بودند که اینها را تندروهای راست، سازمان دهی می‌کردند!!!

مؤلف در صفحه بعد به ماجرای دانشگاه شاهرود اشاره کرده و می‌گوید: سالن پر از جمعیت بود و مجموعاً حدود ۲۰۰۰ دانشجو در سالن اجتماع کرده بودند ... تعدادی ده، پانزده نفر از تندروها وسط صحبت من سرو صدا راه انداختند، دانشجویان می‌خواستند با آنها برخورد کنند، نگذاشتم و گفتم بگذارید حرفشان را بزنند، یکی از آنها را به پشت تریبون دعوت کردم، پشت میکروفون گفت شما چرا در برابر فشار غرب تسلیم شدید و من مودبانه در پاسخ به او گفتم برادر عزیز اشتباه می‌کنید ... آنجا بود که متوجه شدم تظاهرات دانشجویان امام صادق، کاری برنامه ریزی شده بوده است!!!!؟

حال جای این سؤال باقی است و باید مؤلف پاسخ دهد که چگونه از این دو حادثه، اعتراض دانشجویان امام صادق (ع) در تهران و عده‌ای دانشجو در دانشگاه شاهرود، به این نتیجه رسیده است که اعتراض دانشجویی دانشجویان امام صادق (ع) از سوی جناح راست برنامه‌ریزی و هدایت شده است؟

●●● نکات قابل توجه در کتاب

در کنار تمام نقاط مثبت و منفی کتاب و نقدها وارده



رفسنجانی است به طوریکه در صفحه ۲۱۵ می‌نویسد: در مجموع از آنجا که سفر به مسکو نظر، نظر خودم بود و آقای هاشمی رفسنجانی هم توصیه می‌کردند که روسیه و چین را کنار سه کشور اروپایی داشته باشیم، تصمیم گرفتیم که تعلیق را در مسکو اعلام کنیم.

■ بحث جاسوسی در موضوع هسته‌ای ایران از مسائلی است که باید نگاه دقیق‌تری به آن داشته باشیم لکن در این کتاب به نکته‌ای اشاره شده است که نشان از جاسوسی بازرسان آژانس و یا همدستان ایشان در موضوع هسته‌ای ایران دارد، به عنوان مثال در صفحه ۲۳۳، نویسنده می‌گوید: آژانس هم می‌گفت که می‌داند گزارش پلونیوم یا چشمه نوترونی در کدام ساختمان و در کدام اتاق و در کدام کشوی سازمان موجود است.



عبور کرده است، جای تأمل و سؤال دارد، جالب‌تر آنکه چند هفته بعد از انتشار کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای در ایران، کتاب خاطرات موسویان (متهم به جاسوسی) درباره موضوع هسته‌ای ایران نیز در آمریکا رونمایی و منتشر شده است.

■ یکی دیگر از نکات قابل توجه در کل کتاب، کم ظرفیتی مؤلف نسبت به انتقاد مطبوعات و رسانه‌های داخلی از نحوه عملکرد تیم مذاکره کننده و نتایج به دست آمده است، به نظر می‌رسد مؤلف طاق هیچگونه انتقادی را نداشته و اگر کسی یا رسانه‌ای از ایشان و تیم مذاکره کننده انتقاد کرده، دروغ پرداز و مغرض بوده است (صفحه ۶۵۶) و نباید هیچ انتقادی در داخل نسبت به نحوه مذاکرات انجام می‌شده است و هر جا انتقادی انجام می‌شود گلایه و آه و فغان مؤلف نیز بالا می‌رود.

■ از دیگر نکات قابل توجه در کتاب، اشاره‌های مؤلف به رابطه نزدیک میان وی و آقای هاشمی

توجه خاصی داشته باشد و در لا به لای مطالب کتاب به دنبال استفاده اطلاعاتی و تبلیغاتی خود باشد.



از مسائلی که در این کتاب به آن توجه نشده است، بحث طبقه بندی اطلاعات و عدم آشکار کردن راهبردها برای همگان در زمانی است که پرونده هسته‌ای ایران از حساسیت بسیار بالایی برخوردار است، لکن نویسنده بی مهابا بسیاری از راهبردها و اطلاعات ذی‌قیمت نظام را بدون هیچ محدودیتی افشا کرده است. (ص ۳۹، ۷۷، ۱۲۵)

به عنوان مثال اشاره نویسنده به مشکلات اقتصادی و گره زدن آن به مسئله هسته‌ای (ص ۱۳۹، ۱۴۴)، اشاره به نگرانی مردم ایران از قطعنامه‌های شورای امنیت و حمله آمریکا به

جمع بندی:

کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای نوشته آقای حسن روحانی اگرچه اولین کتاب منتشر شده و نسبتاً جامع درباره موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است، لکن انتقادات فراوانی را هم شامل می‌شود.

شاید یکی از نکات قابل توجه به کلیت کتاب، تلاش نویسنده برای جمع آوری خاطرات و انتشار آن در زمانی است که هنوز موضوع هسته‌ای ایران از حساسیت‌های فراوانی برخوردار است و تیم مذاکره کننده در حال مذاکره و دفاع از حقوق اساسی مردم شریف ایران است.

از سوی دیگر، انتشار این کتاب در فضای فعلی که نگاه همه به سمت موضوع هسته‌ای است و سؤال‌های بسیاری در اذهان مردم و نخبگان وجود دارد، سبب می‌شود تا حدودی مردم با فضای مذاکرات و نیت غرب و در رأس آنها آمریکا برای جلوگیری از حقوق مردم ایران آشکار شود، لکن همین حساسیت سبب می‌شود که طرف غربی هم به این کتاب

کتاب مؤلف خود از فضای بی اخلاقی و نبود تقوای سیاسی ناله کرده و از آن انتقاد می‌کند. (ص ۲۷ - ۱۰۰)

از دیگر نکات منفی و قابل توجه در کتاب، خوش‌بینی مؤلف نسبت به نیت غرب مبنی بر نگرانی غرب از پایمال شدن حقوق مردم ایران است و در چندین جای کتاب نویسنده از فضای بدبینی و منفی نسبت به غرب انتقاد کرده و تا جایی پیش می‌رود که می‌گوید بدبینی و منفی‌نگری نسبت به غرب خیلی اوقات مشکل‌آفرین شده است (ص ۶۸)، البته ذکر این نکته لازم است که نویسنده در کنار انتقاد از بدبینی به غرب، بارها اعتراف می‌کند که غرب هیچگاه به دنبال حقوق مردم ایران نبوده است و همواره علیه منافع جمهوری اسلامی ایران عمل کرده است (ص ۹۰).

یکی دیگر از نکات کتاب، اهانت مستقیم و غیر مستقیم نویسنده به آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور دولت نهم و دهم است به گونه‌ای که در جایی افکار و نظرات ایشان را به عنوان توهمات ناشی از خودشیفتگی و کم‌تجربگی معرفی می‌کند و در جای دیگری با ذکر خاطره‌ای از رئیس‌جمهور، ناپختگی و

ایران، اشاره نویسنده به ترس بعضی از مقامات از قطعنامه‌های شورای امنیت و شورای حکام آژانس انرژی اتمی، افشای دغدغه، نظرات و راه‌حل‌های مسئولان و سران ارشد نظام در بحث هسته‌ای گوشه‌ای (ص ۱۲۵، ۱۲۹، ۳۳۰) از بی‌احتیاطی‌های اساسی این کتاب است که جای تأمل بسیاری دارد و اینکه مؤلف با چه توجهی و با چه هماهنگی اقدام به انتشار این اطلاعات کرده است؟

از دیگر نکات منفی این کتاب، تکرار مکررات و توضیح چندباره مطالب قبلی است به گونه‌ای که در فصول انتهایی به خصوص فصل دوازدهم عملاً مطلب جدیدی به چشم نمی‌خورد و مطالب گذشته به نحوی با دسته‌بندی‌های دیگری دوباره نگارش شده است.

عدم توجه نویسنده به اخلاق و تقوای سیاسی در خلال نگارش کتاب یکی دیگر از مواردی است که مخاطب با آن روبرو می‌شود به نوعی که خواننده به این نتیجه می‌رسد هر جایی که از نویسنده انتقاد شده است، نویسنده بدون هیچ تأملی برچسب‌های سیاسی مانند افراطی‌گری، تندرو، هوچی‌گر، ناآگاه و مغرض را به آنها نسبت می‌دهد (ص ۱۰۴) لکن در ابتدای

امنیت صادر شده است که مقایسه موفقیت در موضوع هسته‌ای با تکیه بر قطعنامه‌های سیاسی شورای امنیت سازمان ملل، مسئله‌ای نادرست و بی‌مبنایی است که نویسنده این مقایسه را انجام داده است (ص ۶۵۴).

در کل کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای در کنار نقاط قوت و جامعیت نسبی از نقاط ضعف قابل توجهی هم برخوردار است، در این کتاب گاهی عقلانیت و احتیاط رعایت نشده است و بسیاری از راهبردها و نظرات سران نظام فاش شده است، نویسنده نگاه خوش بینانه خود نسبت به غرب را در جای جای کتاب تسری داده است حال آنکه لا به لای مطالب کتاب، خود معترف به دروغ‌گویی و بد‌نیتی غرب است.

بی‌تجربگی رئیس‌جمهور را به خواننده‌ی القاء می‌کند. (ص ۷۱ - ۵۹۱)

از دیگر موارد قابل ذکر، ابهامات نویسنده در ذکر برخی از مطالب و اطلاعات است به گونه‌ای که در نام بردن از اشخاص به صورت سلیقه‌ای و گزینشی عمل کرده است، از سوی دیگر، ابهامات فراوانی در محتوا، مثال‌ها و اطلاعات داده شده در جای جای کتاب وجود دارد که بدون هیچ تبیینی رها شده است و سبب افزوده شدن بر ابهامات خواننده می‌شود.

از دیگر نکات کتاب، مقایسه میان سه تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در زمان آقای روحانی، آقای لاریجانی و جلیلی است و اینکه در هر دوره چه قطعنامه‌هایی از سوی شورای

دیپلماسی هسته‌ای

بدون در نظر گرفتن امنیت ملی؟!

سید جواد حسینی
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی سیاسی
S.j.hosseini66@gmail.com

●●● مقدمه

و سیاسی برای پژوهشگران ایرانی و ناظران بین‌المللی مهم و قابل توجه باشد. همچنین باید بیان داشت همانطور که کتاب خاطرات هاشمی رفسنجانی در لایه سیاسی تحلیلی و جریان‌شناسی قرار می‌گیرد این کتاب نیز در زمره کتب سیاسی امنیتی قرار گرفته و بسیاری از محورهای امنیتی را در خود جای داده است که در برخی از موارد باعث بروز و افشای مرزهای امنیتی شده است که در بخش نقد کتاب بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.



لایه بندی سطوح مختلف کتاب

●●● معرفی نویسنده

حسن روحانی پس از کسب مدرک کارشناسی حقوق قضایی از دانشگاه تهران توانست مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی را با موفقیت

کتاب "امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای" علاوه بر قرار گرفتن در زمره ی کتب خاطرات سیاسی، در بر گیرنده نکات و ملاحظات فراوانی در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری افراد و نهادهای امنیتی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی است که گزارشی از فراز و فرودهای پرونده هسته‌ای ایران و همچنین رفتار و عکس‌العمل‌های طرف مقابل مذاکره‌ران‌میان می‌سازد. همانطور که خود نویسنده این موضوع را اذعان داشته: مدتی در این اندیشه بودم که نکاتی را درباره دوره مسئولیت‌م در مورد پرونده هسته‌ای بیان کنم و کم و کیف تصمیمات مهم هسته‌ای از ابتدای دوره مسئولیت‌م تا پایان آن را که عمدتاً در جلسات سران قوا و مسئولین عالی رتبه نظام و تحت نظارت عالی رهبری معظم انقلاب اسلامی اتخاذ شده است به تصویر بکشم، که امید است این کتاب آن آرزو را برآورده نموده باشد. کتاب پیش رو شرحی است از رویدادها و حوادث آن روزها... در این کتاب سعی وافر نموده‌ام تا رویدادهای آن روزها را صادقانه و بی‌پیرایه بیان کنم. اما با توجه به ادامه ماجرای هسته‌ای، به ناچار این کتاب با ملاحظات فراوان نگارش یافته است... (ص ۱۶)

نویسنده این کتاب سال‌ها به عنوان رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس و سپس دبیری شورای عالی امنیت ملی در بطن مسائل کلان نظام بوده و همین مسئله باعث می‌شود تا تحلیل‌های وی از منظر امنیتی



رهبری، از ۱۴ مهرماه سال ۱۳۸۲ مسئولیت مستقیم تیم مذاکره کننده هسته ای ایران را بر عهده گرفتم؛ ۶۷۸ روز به همراه همکاران پر تلاشم کوشیدم تا خطر را از میهن اسلامی دور کنم و حافظ دستاوردهای بزرگ در زمینه فناوری هسته ای باشم... (ص ۱۶)

طیف فکری حسن روحانی به هاشمی رفسنجانی بسیار نزدیک است به نحوی که در مجالس چهارم و پنجم نیز به عنوان نائب رئیس مجلس در کنار هاشمی رفسنجانی قرار گرفت. در بخش های ابتدایی کتاب، نویسنده به رابطه و همکاری خود در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی اشاره دارد: آقای هاشمی رفسنجانی در تابستان ۱۳۶۸ پیش از دوران ریاست جمهوری، به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی در سفری به مسکو که من هم عضو هیئت همراه بودم، در زمینه هسته ای مذاکراتی اجمالی با گورباچف انجام دادند... (ص ۳۰) همچنین نویسنده در میان بسیاری از سطور خاطرات خود نسبت به هاشمی رفسنجانی ارادت داشته و از بروز آن ابایی ندارد. (۱)

نویسنده در انتهای مسئولیت خود دلیل کناره گرفتن از دبیری شورای عالی امنیت ملی را عدم وجود اعتماد بین خود و رئیس جمهور جدید یعنی دکتر محمود احمدی نژاد بیان داشت و از فضای اعتماد بین خود و دو رئیس جمهور قبلی می گوید: من ۱۵ مرداد ۸۴ خدمت مقام معظم رهبری رسیدم و از ایشان خواستم که از دبیری شورای عالی امنیت ملی کناره گیری کنم. به ایشان گفتم من در دولت آقای هاشمی

بگذرانند و مدرک دکترای حقوق اساسی را از دانشگاه گلاسکو دریافت نمایند. وی در سطح تحصیلات حوزوی نیز دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی چون آیات عظام سید محمد محقق داماد، شیخ مرتضی حائری و سید محمدرضا گلپایگانی و سطوح عالی را نیز با اساتیدی چون آیات عظام سلطانی (ره)، فاضل لنکرانی (ره) و شیخ محمدشاه آبادی گذرانده است. دکتر حسن روحانی با اینکه عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز به عنوان پایگاه سنتی اصول گرایان بود اما در زمان دولت اصلاحات ارتباط نزدیکی با سید محمد خاتمی داشت. روحانی در دولت سید محمد خاتمی توانست به دلیل داشتن روحیه تعاملی با دولت، دبیری شورای عالی امنیت ملی را به توصیه هاشمی رفسنجانی بر عهده بگیرد.

وی در نقل خاطرات خود پیرامون اجماع مسئولین نظام در مورد مسئولیتش درباره ی پرونده ی هسته ای اشاره می کند: من با تصمیم جلسه سران نظام و مسئولین عالی رتبه، با حکم رئیس جمهور و با تأکید مقام معظم

رفع اتهام و دفع خطر؛ دوم، دیپلماسی برای حل و فصل مسأله؛ سوم، تلاش برای پیشبرد برنامه هسته ای بر مبنای ظرفیت داخلی و چهارم، ایجاد فرصت برای تأمین منافع ملی و از جمله ارتقای روابط با کشورهای صنعتی). (ص ۵۳)

بدیهی است که این کتاب را می توان از منظرهای مختلف شکلی، ساختاری، محتوایی، اسنادی، تاریخی و ... معرفی و بررسی نمود. کتاب امنیت ملی و سیاست خارجی در ۹۹۹ صفحه که شامل یک مقدمه و دوازده فصل و پنج پیوست می باشد، تدوین شده است. موضوع هر یک از فصل ها با توضیح مختصر در مورد هر یک از فصول در مطلب ذیل بیان شده است.

فصل اول: انقلاب اسلامی و فناوری هسته

ای (۱۳۵۷-۱۳۸۲)

تعداد صفحات: ۲۳

محورهای فصل:

۱. انقلاب اسلامی و انرژی هسته ای
۲. دوران بازسازی و ضرورت های نوین
۳. امید و تکاپو
۴. تمديد NPT و امضای CTBT
۵. توسعه ی فناوری هسته ای، اولویت ملی
۶. تنش زدایی در سیاست خارجی
۷. فناوری هسته ای، نمادی ملی

اگر توانستم کار کنم به این علت بود که بین من و آقای هاشمی اعتماد صد درصد بود. در دولت آقای خاتمی نیز در روزهای اول اعتمادی بالای ۹۰ درصدی وجود داشت و خیلی زود اعتماد ایشان به من صد درصدی شد. آقای خاتمی نمی آمد به من بگوید که داری چه کار می کنی با کی مذاکره کردی، چی گفتی؟ چرا این کار را نکردی و چرا این کار را کردی؟ اعتماد صد درصد داشت. خدمت ایشان گفتم که من هیچ شناختی نسبت به آقای احمدی نژاد ندارم. ایشان نیز قاعدتاً نسبت به من هیچ شناختی ندارد و کار بسیار سخت جلو می رود. بعد از این استدلالات، آقای نیز پذیرفتند و گفتند که من نیز همین جور می بینم. گفتم خوب است برای دیر شورای امنیت فرد دیگری مسئول شود).

●●● معرفی کتاب

این کتاب دارای جهت گیری مشخص در عرصه سیاست خارجی بر مبنای رویکرد تعاملی می باشد. نویسنده کتاب با تقسیم رویکردهای موجود در وزارت امور خارجه و سیاست خارجی ایران خود را مصداق جهت گیری و طیف فکری جریان تعاملی می داند: در بحث هسته ای، از آغاز بحران در سال ۱۳۸۱ شاهد دو جریان فکری در کشور بودیم که هنوز هم ادامه دارد: جریان تعامل با جهان با درایت و حوصله و جریان تقابل و سرعت عمل. جریان تعامل با جهان، مراحل مختلفی را در نظر داشت: نخست،

فصل سوم: شکل‌گیری تنش هسته‌ای و ضرورت‌های نوین

تعداد صفحات: ۳۲

محورهای فصل:

۱. گسترش تهدیدات و نگرانی‌ها
۲. پیامدهای نخستین قطع نامه آژانس
۳. ضرورت‌های نوین ملی
۴. ورود شورای عالی امنیت ملی
۵. بررسی وضعیت در آستانه پذیرش مسئولیت
۶. پیش‌بینی پیچیدگی‌های پرونده هسته‌ای

فصل چهارم: تهدید زدایی از امنیت ملی

تعداد صفحات: ۷۶

محورهای فصل:

۱. استراتژی و تحدید حوزه‌های چالش
۲. بسترسازی برای تغییر وضعیت
۳. سفر البرادعی به تهران
۴. مذاکرات مقدماتی با مدیران کل سه کشور
۵. مسائل پیش‌رو در آستانه‌ی مذاکرات تهران
۶. چارچوب مذاکرات تهران
۷. مذاکرات تهران
۸. واکاوی مذاکرات و بیانیه تهران
۹. ارزیابی نتایج مذاکرات تهران
۱۰. دیپلماسی فعال برای شورای حکام نوامبر ۲۰۰۳
۱۱. سفر به مسکو و مذاکره با پوتین
۱۲. سفر به بروکسل و مذاکره با سه وزیر اروپایی

فصل دوم: چالش‌ها و ساختارها

تعداد صفحات: ۵۹

محورهای فصل:

۱. چالش‌های نابه‌جاری
۲. ساختارها و سازمان پیشرفت
۳. نقش شورای عالی امنیت ملی در تصمیم‌گیری‌ها
۴. آسیب‌شناسی تصمیم‌گیری
۵. مدیریت بحران
۶. آرمان‌گرایی یا اسارت در توهمات
۷. الزامات سیاست خارجی اسلامی
۸. ساختار دبیرخانه شورای عالی
۹. گفت‌وگوها و رویکردهای مختلف
۱۰. سازمان ملل و محیط بیرونی
۱۱. الزامات سیاست امنیت‌زا
۱۲. تصمیمات ملی و مسأله افکار عمومی
۱۳. مراحل مختلف تصمیم‌گیری
۱۴. مسئولیت‌پذیری
۱۵. آستانه تحمل در گفت‌وگو
۱۶. شورای عالی امنیت ملی و پرونده هسته‌ای
۱۷. مدیریت متمرکز و پرونده هسته‌ای
۱۸. تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در موضوع هسته‌ای

۱۳. قطعنامه نوامبر ۲۰۰۳

۱۴. اقدامات پس از اجلاس نوامبر

فصل هفتم: توافق پاریس

تعداد صفحات: ۵۴

محورهای فصل:

۱. بازگشت دیپلماسی
۲. متن توافق پاریس همراه با توضیحات
۳. نامه به سه وزیر در زمینه توافق پاریس
۴. تصمیم سیاستمداران
۵. تصمیم نهایی در مورد توافق پاریس
۶. احضار سفرای سه کشور
۷. امضای توافق پاریس در تهران
۸. تحولات پس از توافق پاریس
۹. تحلیل وضعیت و راهکارها در مقطع آذر ۱۳۸۳

فصل هشتم: آغاز مذاکرات و زمینه ای برای

ایجاد فرصت

تعداد صفحات: ۶۱

محورهای فصل:

۱. سفر بروکسل و چالش های مذاکره
۲. مشکلات دوران مذاکره
۳. ارزیابی پیشرفت کار گروه ها در اوایل بهمن ۱۳۸۳
۴. تحلیل وضعیت و راهکارها
۵. مذاکرات مهم با رهبران شرق و غرب
۶. تحلیل وضعیت و راهکارها

فصل پنجم: بحران جدید و تلاش های

مضاعف

تعداد صفحات: ۳۶

محورهای فصل:

۱. ماجرای لیبی و اتهامات جدید علیه ایران
۲. بروکسل و کنترل بحران
۳. نخستین سفر به پاریس
۴. مشکلات پیش رو در اجلاس مارس
۵. توافق بروکسل
۶. نقض توافق بروکسل
۷. تحلیل وضعیت و راهکارها در مقطع فروردین ۱۳۸۳

فصل ششم: دیپلماسی در بحران مرداد

۱۳۸۲ تا آذر ۱۳۸۳

تعداد صفحات: ۲۲

محورهای فصل:

۱. سپتامبر بحرانی
۲. قطعنامه سپتامبر
۳. قهر دیپلماتیک
۴. توافق مهم با رئیس جمهور آفریقای جنوبی
۵. تبادل طرح ها
۶. مذاکرات پاریس و خطوط قرمز

محورهای فصل:

۱. مثلث تنش در دیپلماسی
۲. اهداف و استراتژی سه وجهی
۳. تغییر در خطوط قرمز و آغاز استراتژی جدید
۴. آغاز به کار مجدد UCF اصفهان
۵. تیم جدید با رویکرد جدید
۶. مقایسه ای بین آغاز و پایان مسئولیت
۷. سیاست و مسئولیت
۸. رویکرد تیم جدید هسته ای

فصل دوازدهم: دستاوردهای ۶۷۸ روز تلاش

تعداد صفحات: ۳۰

محورهای فصل:

۱. اهداف
۲. استراتژی
۳. دستاوردها

توجه به عنوان فصل‌ها و همچنین میان تیتراهای هر فصل، مهم و قابل دقت است و می‌توان از این رهگذر به نوع نگرش نویسنده نسبت به مقاطع مختلف زمانی در پرونده‌ی هسته‌ای پی‌برد و همچنین رویکرد وی را در فراز و فرودهای پرونده‌ی هسته‌ای متوجه شد. همچنین توجه به درون‌مایه و محتوای کلی هر فصل که به صورت اختصار آمده می‌تواند ما را برای رسیدن به یک جمع‌بندی از هدف نویسنده از انتشار این کتاب رهنمون باشد.

فصل نهم: امیدهای نو

تعداد صفحات: ۵۹

محورهای فصل:

۱. طرح چهار مرحله و آغاز روند جدید
۲. ارائه طرح چهار مرحله‌ای
۳. تحلیل جامعی از وضعیت و راهکارها
۴. در آستانه اجلاس لندن
۵. دیدار سرنوشت ساز
۶. لندن و رنگ باختن امید

فصل دهم: بی‌اعتمادی و تردید

تعداد صفحات: ۵۰

محورهای فصل:

۱. اردیبهشت و تنش جدید
۲. پیام سه وزیر
۳. پذیرش درخواست اروپا
۴. آخرین مذاکرات با سه وزیر
۵. جمع‌بندی مذاکرات ژنو
۶. تصمیم تهران
۷. سفر به کشورهای عربی منطقه
۸. شرایط حادثیر ۱۳۸۴
۹. سفر به آفریقای جنوبی
۱۰. چالش‌ها و شکاف در حوزه قدرت

فصل یازدهم: استراتژی سه وجهی

تعداد صفحات: ۵۷

بررسی و نقد:

۱. همانطور که در بخش مقدمه اشاره شد این کتاب در زمره ی کتبی قرار می گیرد که محتوای سیاسی - امنیتی داشته و در بسیاری از موارد بر روی خطوط قرمز امنیتی نظام حرکت کرده و شاید بتوان گفت که اشخاص دقیق و خیره می توانند استفاده های خود را از این کتاب برده و بسیاری از طرح ها را دریافته و نقشه اصلی این کتاب را تکمیل کنند: می دانم که خوانندگان فهیم می دانند که همه اتفاقاتی که در آن برهه کوتاه کمتر از دو سال به وقوع پیوسته، در این کتاب گفته نشده است. موضوع این کتاب که شرح پرونده هسته ای کشور است، هنوز در پیچ و تاب تهدیدات قدرت ها و مذاکرات سیاسی است و بدیهی است که تا سال ها و به ویژه تا زمانی که این پرونده در جریان باشد، مصلحت کشور و نظام ایجاب می کند که از پرداختن به برخی جزئیات و ذکر برخی مسائل اجتناب شود. (ص ۲۱)

۲. نویسنده صراحتاً از تردید و شک در انتشار کتاب اشاره کرده است: برای من نه تنها نوشتن این کتاب که حتی تصمیم گیری درباره ی آن آسان نبود. هر زمانی که می خواستم قلم را بر کاغذ به گردش در آورم احساس می کردم ماجرای را می خواهم بنویسم و ترسیم کنم که ناچار نسبت به بخش مهمی از آن سکوت اختیار کنم. چنین نگارشی را همانند چیدن میوه ی نارس می دیدم. ولی مدتی بود که احساس می نمودم دست می داد که گویا تکلیف و وظیفه ای بر

دو ششم سنگینی می کند که برای ادای آن راهی جز گفتن و نوشتن در پیش روندارم؛ آن هم در زمانی که واقعیات به راحتی قلب و خلاف گویی عین فضیلت می شود. شاید سکوت در چنین شرایطی «مصدق دم فرو بستن به وقت گفتن» باشد. از سوی دیگر برای من سخت آزار دهنده بود که نتوانم و یا نخواهم تجربیات و دانسته های خود را که در حساس ترین برهه تاریخ کشور به دست آورده ام در اختیار نسل پویای امروز و فرزندان آتی این مرز پر گهر قرار دهم. (ص ۲۰)

۳. هر چند نویسنده به بررسی برهه های تاریخ هسته ای کشور در بعد از انقلاب تا بروز پرونده هسته ای می پردازد اما در مورد سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ سکوت شده است که می تواند مهمترین دلیل آن را دفاع مقدس دانست که نظر مسئولین نظام را متوجه این اولویت اول کشور ساخته بود. البته در بیان نویسنده اوج و شروع فعالیت هسته ای در بعد از انقلاب اسلامی، از ابتدای ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی است که که با توجه به اتمام جنگ و دفاع مقدس و شروع دوران سازندگی طبیعی به نظر می رسد: با توجه به اهمیت تکنولوژی هسته ای برای توسعه کشور، دولت آقای هاشمی نخستین دولتی بود که پس از مباحث تئوریک و سیاسی دولت آقای موسوی در زمان حضرت امام (ره) با شتاب مناسبی در پی دستیابی به این تکنولوژی برآمد. ایشان نسبت به تکمیل نیروگاه بوشهر و تولید سوخت در داخل کشور، مصمم بودند و به شلالت آن را پیگیری می

و آنقدر وقت تلف کرد که با تغییر شرایط سیاسی، چین دیگر آمادگی امضای قرارداد را نداشت. (ص ۳۵) این متن به خوبی کنایه و طعن نویسنده به سازمان انرژی اتمی و مسئولین وقت این سازمان را نمایان می‌سازد. در جای دیگر کتاب نویسنده دوباره زبان به نقد مدیریت سازمان انرژی اتمی پرداخته و گفته: دوران اتهام که از تابستان ۱۳۸۱ آغاز شده بود، در شهریور ۱۳۸۲ منجر به صدور قطعنامه شدیدی علیه ایران شد. در این دوران که سازمان انرژی اتمی مسئول ابعاد داخلی و خارجی پرونده بود، به بخش دیپلماسی اهمیت لازم داده نمی‌شد؛ نماینده‌ی ایران در آژانس هم از سوی سازمان انتخاب و منصوب می‌شد وزارت امور خارجه در جریان جزئیات تحولات آژانس و حتی تدوین پروتکل الحاقی که در زمان مذاکرات آن در آژانس، در سال‌های میانی دهه‌ی ۷۰ شمسی به طرح ۹۳ به اضافه ۲ معروف بود، قرار نداشت. لذا می‌توان این دوره را، دوره مسئولیت سازمان انرژی اتمی نام‌گذاری کرد. ... (ص ۵۳) این نوشته به روشنی بیان می‌دارد که نویسنده تلاش دارد تا دوران اتهام را متوجه سازمان انرژی اتمی نموده و از خود سلب مسئولیت نماید.

۵. از دیگر مواردی که در بررسی و نقد این کتاب باید مد نظر قرار داد آن است که نویسنده نسبت به بوروکراسی موجود در ساختار نظام نقد داشته و گزارش‌هایی از برخی منابع را مانع پیشرفت کار پرونده قلمداد نموده است. نویسنده برخی گزارش‌ها

کردند. در واقع توانمندی فنی نسبت به اصل این فناوری، در دولت ایشان به دست آمد. در زمان آقای هاشمی، قرارداد تکمیل نیروگاه پوشهر با روس‌ها امضاء شد و با چینی‌ها چند قرارداد منعقد گردید و چند صد سانتریفیوژ به کشور وارد و تلاش برای ساخت آن در کشور آغاز شد، که البته همگی آنها گام‌های نخستین در راه هسته‌ای شدن کشور محسوب می‌شدند. در زمان ایشان حتی در زمینه‌ی لیزر هم پیشرفت مناسبی داشتیم. در مجموع در دوران ۸ ساله ریاست جمهوری آقای هاشمی، به تدریج کشور به اصل فناوری غنی‌سازی و امکانات لازم، دسترسی پیدا کرد. (ص ۳۷)

۴. بیان این نکته نیز مهم به نظر می‌رسد که نویسنده در جای‌جای مختلف کتاب خود به نقد سازمان انرژی اتمی پرداخته است که این مطلب یعنی نقد در صفحات متعدد کتاب مشهود است. در صفحه‌ی ۳۵ کتاب در مورد انعقاد قرارداد تأسیس نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی در ایران توسط چینی‌ها، نویسنده بیان می‌دارد: در اواسط دهه‌ی ۷۰ شمسی سازمان انرژی اتمی برای تأسیس یک نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی در ایران، با چینی‌ها وارد مذاکره شد. چینی‌ها موافق ایجاد آن در دارخوین بودند که در آن شرایط با ادامه‌ی دشمنی‌های صدام و نزدیکی این مکان به مرزهای عراق، محل مناسبی برای این اقدام به نظر نمی‌رسید ... متأسفانه سازمان انرژی اتمی به جای تصمیم‌گیری نسبت به مناطق جدید، تنها بر منطقه دارخوین اصرار داشت

در برخی موارد باعث بروز بسیاری از اطلاعات شده است. به این نمونه توجه کنید: امضای CTBT بر عکس تمدید NPT مخالفان جدی در شورا داشت. استدلال مخالفین این بود که با آمدن دستگاه های لرزه نگار در ایران هر نوع موشکی که در کشور مورد آزمایش قرار گیرد، دیگران بلافاصله مطلع می شوند و بنابراین تمام آزمایش های نظامی ما ثبت می شود. حتی هر بمب معمولی را که آزمایش کنیم، این دستگاه ها قادر به ثبت آن هستند. آنان بر مبنای حفاظت اطلاعات نظامی می گفتند که وجود این دستگاه ها، وسیله ای برای کسب اطلاعات نظامی توسط غرب خواهد شد. از سوی دیگر، موافقان هم می گفتند تست هر موشک بالستیک توسط ماهواره های جاسوسی غرب ثبت می شود، کما اینکه در هر موردی که قبلاً آزمایش کرده ایم، آنها موارد را اعلام کرده اند... (ص ۴۱) در ادامه نویسنده بیان می کند که چگونه این اختلاف نظرها به جمع بندی رسیده است: به هر روی در جمع بندی این نظرها در شورای عالی، در مجموع دو نظر وجود داشت: مقامات نظامی و امنیتی مخالف و بقیه تقریباً موافق بودند. البته نکات فنی و از جمله محل استقرار دستگاه ها در کمیته ای که با حضور نمایندگان نیروهای مسلح در وزارت امور خارجه تشکیل می شد، مورد توافق قرار گرفته بود. وزارت امور خارجه استدلال می کرد که اگر امضا نکنیم، متهم می شویم و فشار روی ما زیادتر می شود؛ از سوی دیگر چون کشورهای هند و پاکستان

را ناقص و فاقد جاهت همراه با اعمال نظر می داند که باعث می شد تا برخی تصمیمات با تأخیر و همراه با از دست دادن فرصت باشد: هر زمان که گزارش دهی به مسئولین رده ی بالا به طور دقیق انجام نشده، این امر به چالش بزرگی در کشور انجامیده است. در حوزه سیاست ایران دست کم در دهه های اخیر، بر اثر این چالش، تصمیم گیری های مهمی به تأخیر افتاده و یا موجب از دست رفتن فرصت شده است. از سوی دیگر، به دلیل عدم اعتماد و اطمینان و بدبینی های داخل کشور به غرب در مسائل بین المللی، برخی از تصمیمات با تأخیر و یا با از دست دادن فرصت اتخاذ شده است. در ماجرای هسته ای هم بحث مسائل سیاست داخلی، گزارش اطلاعات کارشناسی به صورت ناقص به مسئولین رده بالا و بی اعتمادی به غرب و سازمان های بین المللی همواره مشکل آفرین بود. در نتیجه در تاریخ ما طی دهه های اخیر این نوع چالش ها مرتب تکرار شده و این مشکل چندین ساله حوزه دیپلماسی ایران است. (ص ۵۴)

۶. از جمله نکات قابل نقد در این کتاب بیان بحث ها و اختلاف نظرهایی بوده که در جلسات شورای عالی امنیت ملی از سوی مسئولین نظامی، امنیتی، سیاسی و ... ارائه می شده است. گاهی اوقات بیان و انتشار این موارد خالی از اشکالات امنیتی نیست. در فصل اول کتاب نویسنده در بحث بررسی معاهده ی CTBT تمامی بحث ها و اختلاف نظرها و همچنین ادله ی مخالفین و موافقین را ذکر کرده که

اجتماعی در دو دولت هاشمی و خاتمی پرداخته است: ... سیاست های منطقه ای و بین المللی کشور در دوران آقای خاتمی تا شهریور ۱۳۸۲، بیشتر بر مبنای تنش زدایی و اعتماد سازی قرار داشت. این سیاست در غرب و در جهان اسلام موفقیت هایی کسب کرده و نگاه ها به ایران تا حدی مثبت شده بود. دولت با کشورهای منطقه نیز رابطه خوبی برقرار کرده بود. برای نمونه در آن دوره با عربستان تفاهم نامه امنیتی مهمی به امضا رسید ... (ص ۴۹) ... قرار بود آقای هاشمی از طرف اصول گرایان به مجلس بروند تا مجلس را متعادل کنند، اما عملاً این اتفاق نیفتاد. جامعه مدرسین و علما از اینکه روند مسائل فرهنگی و اجتماعی به سمت تساهل و تسامح پیش می رفت، نگران بودند. نیروهای امنیتی، پس از واقعه ی ۱۸ تیر نگرانی هایی داشتند، اما شکاف عمیقی وجود نداشت و شاهد گسست اجتماعی نبودیم. رونق اقتصادی مانند زمان آقای هاشمی نبود، ولی در مجموع اوضاع اقتصادی نیز نگران کننده ارزیابی نمی شد. در اوایل دولت آقای خاتمی حرکت های چشمگیر اقتصادی به چشم نمی خورد، اما در ادامه کم و بیش همان روند اقتصادی دولت آقای هاشمی ادامه یافت. (ص ۵۱) این سطور به روشنی بیان می دارد که علاوه بر ارائه تحلیل سیاسی - اقتصادی از دولت های قبل و شرایط آن، باعث می شود تا خواننده کتاب در ذهن خود مقایسه ای بین دولت موجود - با توجه به زمان انتشار کتاب که پاییز سال ۱۳۹۰ - با دو دولت های قبل داشته

آن را امضاء نخواهند کرد و حتی آمریکا هم مخالف آن است و به آن ملحق نخواهد شد، این معاهده هرگز اجرایی نخواهد شد، زیرا برای الزامی شدن معاهده، تصویب آن توسط ۴۴ کشور مشخص از جمله این سه کشور، لازم است. در استراتژی کلان دیپلماسی دولت سازندگی هم هر مسأله ای که مانع توسعه و سازندگی ایران می شد، طبعاً نگران کننده بود. روسای دو قوه دیگر هم به دلیل اعتماد به وزیر امور خارجه، مخالفتی نداشتند. اما زمانی که یک دستگاه لرنه نگار در ایران نصب شد، مخالفت هایی با نصب این دستگاه ها شروع شد و بنابراین موضوع استقرار دستگاه های لرنه نگار در دستور کار شورای عالی امنیت ملی قرار گرفت، که شورا با ادامه کار و نصب دو دستگاه دیگر مخالفت کرد و تصویب نمود که دستگاه نصب شده هم باید خاموش باشد و فعالیتی نداشته باشد و تنها سالی چند روز جهت تست دستگاه روشن شود و در بقیه سال خاموش بماند... (ص ۴۲) به روشنی مشخص است که در این معضل شورای عالی امنیت ملی با همفکری توانسته هم از فشار غرب بر علیه خود کم کند هم مجرای درز اطلاعات نظامی به غرب را ببوشاند اما ذکر این خاطره باعث می شود تا دشمنان به راحتی در بسیاری از موارد حاضر به معامله نشده و منفذهای احتمالی را ببوشانند.

۷. در انتهای فصل دوم نویسنده از بیان خاطرات که مقصود اصلی کتاب بوده است قدری دور شده و به تحلیل فضای سیاسی، بین المللی، اقتصادی و

باشد. همان طور که بیان شد ارادت نویسنده کتاب به رؤسای جمهور قبلی و نزدیکی فکری به آنها نیز به عیان مشخص است.

۸. در فصل دوم کتاب نویسنده میان تیزی با عنوان چالش های تصمیم گیری دارد که در صدد است تا بیان کند که در کشور گاهی اوقات به دلایلی هیاهوی بیش آمده از سوی برخی از افراد بوده که این افراد با استفاده از تبلیغات و جنجال های رسانه ای و همچنین به دلیل داشتن انتساب و ارتباط با مسئولین، روند تصمیم گیری را مختل می سازند: رقابت گروه های سیاسی و قدرت با هم از یک سو و اینکه عده ای می توانند حرف غلط خود را با هیاهو و جنجال و تبلیغات و یا به واسطه ارتباط با افراد مختلف به کرسی نشانند از سوی دیگر، در کشور وجود داشته و دارد.

گاهی مسیر حرکت، مسیر درستی است، ولی چون زمان بر است، مخالفین آن را مورد شک و تردید قرار می دهند و کاری می کنند که مسئولین نتوانند تصمیم مناسب و دقیقی اتخاذ نمایند. تصمیم گیری مسئولین نیز هنگامی که مرتبط به مسائل اجتماعی داخلی باشد، تا حدودی پیچیده می شود. (ص ۵۴) اما به نظر می رسد نویسنده علت انتقادهای فزاینده در دولت خاتمی بر سر پرونده هسته ای ایران تنها ناشی از هیاهو های تبلیغاتی نبوده بلکه ظرفیت داخلی دولت و سیاست خارجی دولت هفتم و هشتم که بر مبنای گفتگو و تعامل بوده در بسیاری از موارد به ورطه انفعال رسیده بود که باعث انتقادهایی در فضای داخلی کشور شده

بود.

۹. از جمله چالش های تصمیم گیری در کشور از منظر دکتر حسن روحانی مسأله اجتناب از بر عهده گرفتن مسئولیت اتخاذ تصمیم در مواقع حساس است که علت آن هجمه افراطی ها به دلیل اتخاذ تصمیم است. ایشان جریان گروگان گیری سفارت آمریکا و اتمام جنگ را از جمله مصادیق تاریخی این معضل در کشور می داند و نتیجه می گیرد: / اینها همگی نشان از آن دارد که قدرت چالش تصمیم گیری برخی مسئولین در مسائل بسیار حساس و مهم، گاهی محدود شده و کمتر کسی حاضر است مسئولیت سنگین تصمیم گیری ملی را بر دوش بگیرد، زیرا می داند بعدا عده ای بی مسئولیت، شیپور سرزنش و تهمت را به صدا در می آورند و به اعتماد مردم نسبت به نظام ضربه می زنند؛ بنابراین چالش دیگر، چالش مسئولیت تصمیم گیری و مسأله هراس تاریخی از آن است... (ص ۵۵) آنچه که باید بیان داشت آن است که هیاهو سازی تبلیغاتی برای منحرف ساختن افکار عمومی امری مذموم است اما باید دانست که تصمیمات مسئولین باید همواره مورد بررسی قرار گیرد تا نقاط قوت و ضعف آن مشخص شود و اگر فردی در حادثه ای سر نوشت ساز تصمیم گرفته که اثرات آن در سال های بعد تأثیر خود را داشته است نمی توان آن فرد را مبرا از نقد دانست. علاوه بر این مسائل باید مد نظر داشت که تصمیمات شورای عالی امنیت ملی به دلیل شورایی بودن این نهاد بر عهده

مهم ترین مسائل ملی به شمار می آید. از همین رو ایجاد و حفظ وفاق ملی و پرهیز از جناح گرایی و برخورد های غرض آلود و احساسی و بی منطق و عدم استفاده از این مسأله برای تسویه حساب های شخصی و سیاسی، ضرورتی ملی است. گرچه اهمیت این امر نباید و نمی تواند مانع بروز انواع سلیقه ها و اظهار نظر های مختلف باشد. (ص ۵۶) همین مسئله نفس وجود ساختار شورای عالی امنیت ملی و ضرورت وجود چنین ساختاری در بازنگری قانون اساسی را نشان می دهد که مسئولین این خلأ را در فرآیند تصمیم سازی درک نموده و در صدد حل معضل بر آمده اند. این استدلال در کلام نویسنده نیز مشهود است: ... اما تصور این بود که با مرکزیت شورای عالی امنیت ملی، می توان اختلاف ها را مرتفع و دستگاه ها و ارگان های کشور را هماهنگ نمود و از این رهگذر اعتماد لازم را نیز در جامعه ایجاد کرد. از سوی دیگر کم و بیش این خبر در میان مسئولین منتشر شده بود که استراتژی اصلی هسته ای در بالاترین سطح کشور اتخاذ می شود و دستگاه های مهم کشور نیز از این امر مطلع بودند. پس خود این مسأله می توانست به سیر مناسب اجماع سازی کمک کند... (ص ۵۹). گفتنی است مقام معظم رهبری در دیدار با حسن روحانی و همکاری اش در پایان دوره مسئولیت به این نکته اشاره دارند که ضرورت نهاد شورای عالی امنیت ملی در جهت تصمیم گیری سریع احساس می شده و می شود. (۲) شاهد مثال دیگر آنکه نویسنده در جریان

فرد خاصی نیست، و همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند در جریان پرونده هسته ای عقل جمعی حاکم بوده است (۲) لذا نمی توان شخص خاصی را مورد نقد قرار داد همچنین لازم به ذکر است که دبیر شورا مجری تصمیمات شورا است و لذا ایشان نمی باید بسیاری از انتقادات را نسبت به خود تعبیر می کردند. ۱۰. نویسنده ی کتاب از جمله محورهای انتقادی خود در مبحث چالش های تصمیم گیری را چالش اجماع ملی می داند و نسبت به این معضل در کشور انتقاد دارد و معتقد است به دلیل عدم اجماع ملی در کشور، روند تصمیم گیری در بسیاری از تحولات کند بوده است. اما این بیان چندان نزدیک به واقعیت نیست چرا که در همین کتاب نویسنده به موارد مختلفی از اجماع ملی در شورای عالی امنیت ملی اشاره نموده و معتقد است تصمیم گیری سریع در این حوزه باعث شده تا وجهه ایران تغییر یابد. برای مثال در جریان حمله عراق به کویت وی معتقد است که این تصمیم گیری سریع در منطقه باعث ترفیع جایگاه ایران شد. بنابراین اینگونه نبوده که اجماع ملی به طور کلی در نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور دیرپاب باشد: چالش دیگر در کشور، چالش اجماع ملی است که مسأله مهم و قابل توجهی به شمار می رود. به ویژه در موضوعی مانند مسأله هسته ای که اهداف مورد نظر، تنها شامل حل فرصت و ایجاد تحول مثبت و ارتقای جایگاه ایران در صحنه بین المللی را نیز شامل می شود. به همین دلیل موضع هسته ای جزو

نداشتیم، ولی سرعت عمل ما بسیار خوب بود. در این گونه موارد دبیرخانه شورای عالی با همه مسئولین مربوط ارتباط لازم را برقرار می‌کرد و می‌توانست سریع به تصمیم ملی برسد...» (ص ۶۴) و علاوه بر این موارد بعد از مسئولیت آقای روحانی و در جریان مذاکرات استانبول نیز بر اساس همین اجماع ملی تیم هسته‌ای ایران توانست در نشست استانبول به موفقیت برسد.

همچنین استاندارد به تحولات داخلی که بستگی به نوع فعالیت جریان‌های سیاسی و آرای مردم دارد به عنوان معضل چالش ملی چندان قابل قبول نیست. از سوی دیگر «آقای هاشمی قرار بود از طرف اصول‌گرایان به مجلس (ششم) برود تا مجلس را متعادل کند اما عملاً این اتفاق نیفتاد» (ص ۵۱) وی این مسائل را ناشی از فقدان اجماع در دیپلماسی ملی می‌داند و معتقد است از آغاز بحران هسته‌ای ایران در سال ۸۱ دو جریان فکری در سیاست خارجی ایران وجود داشته که هنوز ادامه دارد: جریان «تعامل» با جهان و جریان «تقابل» با جهان که توضیح آن بیان شد. نویسنده کتاب با اشاره به تصمیم‌گیری در تاریخ ایران و اسلام مانند: صلح حدیبیه، صلح با عراق و پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و پایان بحران گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در ایران به این نکته اشاره می‌کند که «همه کشورهای بزرگ دنیا در شرایط حساس مجبور به تصمیم‌گیری هستند» (ص ۵۵) از نظر روحانی دلیل آنکه در ایران تنها امام خمینی (ره) بود که می‌توانست گروگان‌ها را آزاد کند یا ۵۹۸ را امضا کند این است که ایران فاقد نظام

فروپاشی شوروی خاطره‌ای بیان می‌کند که نشان از رصد اوضاع شوروی از سوی مسئولین نظام دارد که این رصد پیوسته منجر به رسمیت شناختن سریع کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی شد که این خود نشان از تصمیم‌گیری سریع و اجماع ملی در ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور دارد: ... اختلاف نظرهایی هم در مورد پیش‌بینی حوادث همسایه شمالی وجود داشت؛ مثلاً وزارت امور خارجه، فروپاشی شوروی را قریب الوقوع نمی‌دانست، ولی بر عکس وزارت اطلاعات معتقد بود، به زودی تجزیه شوروی صورت خواهد گرفت. ارگان‌های نظامی هم نظرات مختلفی داشتند. نظر دبیرخانه پس از بحث‌های فراوان این بود که فروپاشی به زودی رخ خواهد داد... بسیاری از این کشورها هنوز هم در ملاقات‌ها می‌گویند که ایران نخستین کشوری بود که ما را به رسمیت شناخت (ص ۶۳) در جریان واقعه ۱۱ سپتامبر نیز نویسنده خاطره‌ای از اجماع سریع مسئولین در واکنش به این حمله تروریستی را بیان می‌کند. ... بعد هم، حمله به پنتاگون اعلام شد. غروب با مقام معظم رهبری قرار ملاقات داشتیم و به طور طبیعی راجع به این حادثه هم با ایشان صحبت کردم. پس از ملاقات با مقام معظم رهبری، تلفنی با آقای خاتمی صحبت کردم که در نهایت قرار شد اطلاعیه‌ای در این زمینه بدهیم و این عمل تروریستی را محکوم کنیم، که همان شب این اطلاعیه تنظیم و در صدا و سیما پخش شد. آن ماجرا با اینکه غیر مترقبه بود و خبری از پیش

دو منظر را از هم جدا نمود. در خاطره ای که بیان شد مشخص است اختلاف نظر این دو نهاد مسئول از دو جنبه قابل توجه است. وزارت امور خارجه از بعد سیاسی و دیپلماسی و سازمان انرژی اتمی از نقطه نظر فنی؛ از این نظر اختلاف نظر در این گونه موارد امری مذموم نیست و با تعیین وزن هر دستگاه می توان از تبعاتش اجتناب کرد.

۱۲. همچنین القای عدم درک درست مسئولین از شرایط محیطی و منطقه ای در میان سطور خاطرات نویسنده مشهود است که با بخش های دیگر خاطرات همخوانی ندارد: ... در این میان، مسأله اشغال عراق و سقوط بغداد هم اذهان همه را به خود مشغول کرده بود. کسی فکر نمی کرد رژیم صدام ظرف سه هفته سقوط کند. بیشتر مسئولین نظامی معتقد بودند، صدام به این زودی ها شکست نمی خورد و بر این باور بودند که آمریکا باید شش ماه تا یکسال با ارتش عراق بجنگد تا به کاخ صدام برسد. امریکایی ها با جنگ روانی و توان هوایی، قدرت نمایی کرده بودند و لذا عده ای مسحور قدرت نظامی به ویژه قدرت هوایی آمریکا شده بودند و تصور می کردند آمریکا به هر کشوری حمله کند، ظرف چند هفته می تواند حکومت آنجا را به سقوط بکشاند. از سوی دیگر وقتی آمریکا در عراق پیروز شد، فشارهای خود را نسبت به مسأله هسته ای ایران تشدید کرد. صهیونیست ها هم فعال تر شدند و در صحنه تبلیغاتی و سیاسی به این مسأله دامن می زدند. نگرانی هایی در کشور

تصمیم سازی و تصمیم گیری است و روحانی از این بحران با عنوان «چالش اجماع ملی» یاد می کند که همانطور که بیان شد استنادات نویسنده محکم و قابل قبول نیست.

۱۱. از نکات قابل بررسی در این کتاب سخنان متناوب و متعدد نویسنده در بیان مسأله اختلاف مسئولین در موارد مختلف بوده است. از جمله این اختلافات از نظر ایشان اختلاف بر سر پیامدهای غنی سازی بود: ... از همین رو در این مقطع با نظرات متفاوتی مواجه می شدیم. پس از فشارهای سیاسی و تبلیغی، شاهد نظرات متفاوت کارشناسی سازمان انرژی اتمی و وزارت امور خارجه بودیم؛ بنابراین نخستین جرقه اختلاف نظر در سطح ارگانی، پس از شروع بحران آغاز شد. در این شرایط ابتدا بین وزارت امور خارجه و سازمان انرژی اتمی بر سر پیامدهای بین المللی اقدامات سازمان انرژی اتمی، اختلاف بروز کرد. پس از سفر البرادعی به ایران، پیش بینی وزارت امور خارجه این بود که مسأله هسته ای به سمت بحران پیش می رود. در مقابل، سازمان انرژی اتمی بدون اطلاع دادن به آژانس، فعالیت غنی سازی را شروع کرده بود. بحث دوم پیامدهای این عدم اطلاع بود. روشن نبود که چه تبعاتی در پی خواهد بود و به علاوه مسئولیت آن با چه کسی است؟ سازمان انرژی اتمی معتقد بود مسأله مهمی نیست و پیامدهای چندانی ندارد و در مقابل، وزارت امور خارجه معتقد بود پیامدهای شدیدی خواهد داشت (ص ۵۸) به نظر می رسد باید این

شروع شد؛ به گونه ای که اقتصاد ما گام به گام به رکود نزدیک تر می‌شود. (ص ۵۸) این خاطره در کنار خاطراتی نظیر حمله عراق به کویت، به رسمیت شناختن کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی، واقعه ۱۱ سپتامبر و ... که نویسنده در این خاطرات به واکنش و تصمیم‌گیری سریع ایران می‌پردازد؛ نشان می‌دهد که اینگونه نبوده که مسئولین کشور از شرایط بین‌المللی آگاه نبودند و تحلیلی دور از واقع داشتند. ۱۳. همچنین در صفحه ۵۹ کتاب، نویسنده یکی دیگر از ساز و کارهای امنیتی عبور از بحران را افشا می‌کند که بروز این مسأله می‌تواند در معضلات بعدی با توجه به باز بودن پرونده ای هسته ای باعث فشار بیشتر به ایران شده و منفعدهای مدیریت مسأله را دچار مشکل سازد؛ در بحث لیزر، تیم مذاکراتی هسته ای سه کلمه (*At times higher*) را در متن گزارش سازمان اضافه کرده بودند و همین سه کلمه باعث شد که از مشکل عبور کنیم... (ص ۵۹) همچنین نویسنده در بیان خاطراتی از این دست بر روی مرز درز اطلاعات امنیتی حرکت نموده است؛ نخستین جرقه در مذاکره با پاکستانی‌ها در سال ۱۳۶۶ زده شد. آنها به مقامات ایرانی گفته بودند در زمینه غنی‌سازی، خوداتکا هستند. (ص ۳۲) پاکستانی‌ها به طور رسمی به ایران کمک نکردند، اما دلالی پاکستانی به نام ظاهر به ایران تعدادی سانتریفیوژ فروخت که: فرض سازمان انرژی اتمی این بود که سانتریفیوژها نو و دست اول هستند. متأسفانه اکثر سانتریفیوژها دست دوم بودند و

تمامی گرفتاری‌های بعدی ما در زمینه آلودگی سطح بالا نیز از همین مسأله ناشی شد. فروشنده‌گان، این سانتریفیوژها را تمیز کرده و داخل جعبه به صورت نو بسته بندی کرده بودند. (ص ۳۲) نویسنده از این دست خاطرات بسیار بیان داشته است؛ رئیس جدید سازمان انرژی اتمی آقای آقازاده به مسوولین اعلام کرد که با سیستم بروکراتیک موجود نمی‌تواند کاری انجام دهد... در نهایت در پاییز سال ۱۳۷۷ کمیته ای تحت عنوان شورای عالی فن آوری های نوین با اختیاراتی ویژه تشکیل شد. اولین جلسه این شورا در نهم آذر ماه ۷۷ برگزار و پس از آن هر دو هفته یک بار به ریاست خاتمی رئیس جمهور وقت موضوعاتی چون بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی، فناوری اطلاعات، هوافضا و از همه مهم تر تکنولوژی هسته ای را در دستور قرار می‌داد که راه اندازی تاسیسات UCF اصفهان در این شورا تصویب شد. نخستین طرح تاسیس مرکزی برای غنی سازی بود که در آن مرکز، ۵۴ هزار سانتریفیوژ نصب و فعال شوند تا بتوان غنی سازی مورد نیاز را انجام داد و حداقل سوخت یک نیروگاه نظیر بوشهر را تامین نمود. در همین شورا بود که برای پشتیبانی نظامی نیروگاه بوشهر، تامین سامانه دفاعی موشکی S۳۰۰ با خریداری از روسیه تصویب شد. (ص ۴۴) با توافق تهران، بازرسان آژانس به بازدید از سایت های کلاه‌دوز، لشگر آباد، و کالا الکتریک پرداختند. کالا الکتریک نخستین مکانی بود که در آنجا غنی سازی با سانتریفیوژ انجام شد و به

اغلب از احاطه کافی به مذاکرات سیاسی برخوردار نبودند، ولی در عین حال دسترسی خوبی به مسئولین سیاسی در تهران داشتند، باعث فشار به تیم مذاکراتی و خشتی شدن ابتکارات آنها می شد. اینها همگی چالش هایی جدی بود که درگیر و دار مسائل دیگر پنهان می شدند و بعداً هم پیگیری نمی شدند. این گونه معضلات ساختاری همچنان در روند تصمیم سازی کشور وجود دارد. (ص ۶۰)

همچنین بیان خاطراتی از این دست که نوعی ضعف را به مدیران کشور نسبت دهد در قالب انتشار کتاب به نظر می رسد امری مطلوب نبوده و مسئولین را در معرض انتقادات نه چندان مشفقانه قرار می دهد: نقاط اولیه نقشه هسته ای به جز نیروگاه بوشهر عبارت بودند از UCF اصفهان، سانتریفیوژهای تهران و تاسیسات نطنز. نطنز همان محل مناسبی بود که بتوان ۵۴ هزار دستگاه سانتریفیوژ را در آنجا راه اندازی کرد. جای امن که اگر در شرایطی دشمنی آنجا را بمباران کرد، خسارت نیند. (ص ۴۷) مکان یابی برای چنین جایی از سال ۱۳۷۹ شروع شده بود و در شورای عالی سه پروژه تصویب شد: راه اندازی اصفهان در ۱۲ فروردین ۱۳۸۰، پایان تاسیسات نطنز در سال ۱۳۸۰ و آغاز غنی سازی در سال ۱۳۸۱. در آن زمان با توجه به آنکه غنی سازی زیر ۲۰ درصد رانیز می بایست ۱۸۰ روز پیش از آغاز غنی سازی به آژانس بین المللی انرژی اتمی اطلاع داده می شد، غنی سازی توسط سازمان انرژی اتمی بدون اطلاع به آژانس انجام شد

آژانس گزارش نشده بود. (ص ۲۰۷)

همچنین در جریان درز اطلاعات هسته ای توسط لیبی نویسنده مواردی بیان می کند که بی شک از موارد امنیت بوده است: یک باره قذافی تمام تاسیسات هسته ای و تمام اطلاعات هسته ای اش که شامل دلال مشترک ایران و لیبی می شد را به غرب داد و در حالی که ایران به آژانس گفته بود نقشه سانتریفیوژهای P2 را از اینترنت به دست آورده، این اطلاعات باعث شد آژانس پی برد ایران از دلال خریداری شان کرده است و البته اطلاعات بدتری نیز لو رفت: البرادعی گفت تنها این مورد نیست. شما پلونیوم را هم نگفته اید، همان چشمه نوترونی که کار برد های دیگری دارد. (ص ۲۳۰)

۱۴. همچنین می توان به این مسأله اشاره نمود که مشخص نبودن حوزه های کاری هریک از نهادهای مسئول در پرونده هسته ای که مسئول مستقیم آن دبیرخانه ی شورای عالی امنیت ملی به عنوان نهادی ستادی بوده است باعث مشکل آفرینی در روند پیشرفت پرونده هسته ای شد:

تیم هسته ای ایران از دو گروه تشکیل شده بود. گروه نخست، متشکل از مدیران با سابقه وزارت امور خارجه که مسئول مذاکرات بودند و گروه دوم از تعدادی از کارشناسان وزارت امور خارجه، سازمان انرژی اتمی و دیگر سازمان های ذی نفع تشکیل شده بود که در مقام ارائه مشورت فنی به گروه نخست و سایر مسئولین بودند. گاهی دخالت های گروه فنی که

فشار را بر نظام بیشتر ساخته است. نویسندگان از فشارهای جریان‌های اصلاح طلب برای کوتاه آمدن در حق هسته‌ای ایران صحبتی نمی‌کنند و در برخی از موارد فقط از تندروی‌هایی که مسیر مذاکره را دچار خدشه می‌کردند انتقاد می‌کنند. حرکت‌هایی که به نظر نویسندگان تندروی شمرده می‌شوند، فعالیت‌هایی بوده که مجلس هفتم در جهت اثبات حق هسته‌ای ایران بر آن تأکید داشته است.

۱۶. همچنین نوع نگاه نویسندگان و سبک بیان روایت او گهگاه به نظر می‌رسد دور از واقع باشد. به‌خاطر نویسندگان در بیان و روایت توافق‌نامه‌ی سعدآباد توجه کنید: *مذاکرات تنها ساعت ۹ صبح ۲۹ مهرماه ۱۳۸۲ شروع شد و تا ساعت ۲ بعدازظهر ادامه یافت. ایران نمی‌خواست حق غنی‌سازی را به صورت نامحدود از دست بدهد و طبق توافق سران نظام تنها با عبارت «تعلیق فعالیت غنی‌سازی آن گونه که آژانس تعریف کرده است» موافقت می‌کرد. سرانجام با تأکید بر داوطلبانه بودن بودن تعلیق در بیانیه تهران، مذاکره به فرجام رسید و ایران از دو کشور دارای حق وتو (فرانسه و بریتانیا) این قول را گرفت که مانع ارجاع پرونده به شورای امنیت شوند «آنها هم در آن شرایط اصولاً نمی‌خواستند پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت برود و آمریکا همه کاره ماجرا شود و به فکر حمله نظامی باشد.» (ص ۱۸۵) به اعتقاد روحانی با این تعلیق داوطلبانه ایران به برنامه هسته‌ای خود پشت پا نزده است: تعلیق را محدود کردیم به بخشی که فن*

و این عدم اطلاع دادن به آژانس که روحانی آن را از «ضعف اطلاعاتی حقوقی و سیاسی سازمان انرژی اتمی» در آن دوران می‌داند، مسئله ساز شد. (ص ۴۸) در جریان درز اطلاعات هسته‌ای توسط لیبی نویسندگان کنایه و نقادی نیز به سایر مسئولین دارد که نشان از اختلاف نظر بوده و عملکرد مدیران را در معرض نقد قرار می‌دهد، نقادی که در غیاب شخص نقد شونده و حق دفاع از خود بیان شده است. روحانی می‌گوید از ماجرای P2 بی‌خبر بوده است که این عدم اطلاع را اروپاییان باور نمی‌کنند و علت این عدم اطلاع نیز به عقیده‌ی روحانی به آقازاده رئیس وقت سازمان انرژی اتمی باز می‌گردد که خود را مرجع تشخیص این مسأله می‌دانسته و تمامی اطلاعات را به روحانی انتقال نمی‌داده است: برخی معتقد بودند که اگر به آژانس اطلاع می‌دادیم که نقشه P2 را از دلایل خریدیم، آنها احتمال می‌دادند که نقشه بمب را هم خریدیم، چون ظاهرآ لیبی نقشه بمب را هم خریدیم بود. (ص ۲۳۳)

۱۵. نویسندگان بیان می‌دارد: «در مرداد ۱۳۸۲ برای اولین بار سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در مصاحبه‌ای ادعا کردند که نظیر و اراک مراکز هسته‌ای هستند که ایران در آنها مشغول تولید بمب اتم است» (ص ۵۷) این در حالی است که علت اصلی بحران‌سازی در مسأله هسته‌ای نطق پیش از دستور نماینده‌ی اصفهان در مجلس ششم بوده است که به عنوان چراغ سبزی از داخل نظام برای طرف‌های غربی محسوب شده و

در قامت دبیر شورای عالی امنیت ملی به دیدار شریاک می رود. در دوره ای که فرانسه می خواست در کنار آمریکا در خاورمیانه نقش آفرین باشد. ایران در این دیدار برای جلب نظر فرانسوی ها به تعهدنامه سست بروکسل تن داد: موارد اعلام شده از سوی جمهوری اسلامی ایران کلیه موارد ضروری بر اساس پادمان بوده و سایر موارد مطابق با پروتکل الحاقی اعلام خواهد شد. اما پرونده ایران با این توافقنامه نیز در آژانس بسته نشد چرا که عدم بازی دادن آمریکا در مذاکرات باعث شد، آمریکا با ارائه پیش نویس تندی به شورای حکام مانع از بسته شدن پرونده هسته ای در آژانس بشود و از آن سو نیز آقازاده بعد از قعطنامه نوامبر ۲۰۰۳ اصرار داشت کارخانه UCF اصفهان راه اندازی شود که به راه اندازی در فروردین ۸۳ و یک هفته پس از توافق بروکسل منجر شد این دو عامل به نظر روحانی باعث شد تا قطع نامه بعدی علیه ما صادر شود.

۱۷. همچنین بیان برخی از اطلاعات در قالب و به بهانه خاطرات باعث تضعیف نظام می شود. روحانی البته معتقد است که به جز لیبی، درزهای جدی و سوراخ های اساسی در حوزه اطلاعات هسته ای ایران وجود داشته است: *تردیدی نیست که در سازمان انرژی اتمی ایران جاسوس هایی فعالیت داشتند که اعترافات آنها موجود است. از سال ها قبل این جاسوسان تمامی تحولات سازمان را به آمریکایی ها گزارش می دادند، از این بدتر وزارت اطلاعات به ما می گفت*

آوری آن کامل شود اما در مورد بخش های ناقص برنامه هسته ای آن را نپذیرفتم و در نتیجه در فرصت ۱۳۸۲ و سال بعد فن آوری ها را مثل UCF اصفهان و آب سنگین اراک تکمیل کردیم. و در همان روز، (بعد از مصاحبه مطبوعاتی (وزرای سه کشور اروپایی در تهران) به ما گفتند تعدادی از دانشجویان بیرون ساختمان سعدآباد جمع شده و شعار می دهند. آقای خرازی به جک استراو گفت ببینید چقدر کار سختی است. دانشجویان بیرون کاخ تظاهرات می کنند. استراو در پاسخ گفت چقدر به آنها پول داده اید؟ (ص ۱۸۵) وی در پاسخ به منتقدان سعدآباد عنوان می کند: قرار ما در جلسه سران نظام این بود که اگر اروپایی ها به تهران نیایند یا اگر مذاکرات به شکست منجر شود، بلافاصله طی بیانیه ای همه موارد را یک طرفه و بدون اینکه تضمینی از اروپایی ها گرفته باشیم، اعلام کنیم، در آن صورت نه تضمین عدم ارجاع به شورای امنیت مطرح بود و نه تضمین کمک اروپا به ما در آژانس (ص ۱۸۶) و در واقع از منظر نویسنده توافق نامه سعدآباد یک موفقیت بوده نه یک توافق ننگ آمیز.

همچنین نوع روایت نویسنده از قطع نامه سال ۲۰۰۴ به گونه ای است که ذهن مخاطب به سمت دلیل داخلی می رود تا فشار و کینه توزی های غرب علیه پیشرفت ایران؛ نویسنده بیان می کند در سال ۲۰۰۴ و در زمانی که به خاطر اطلاعات منتشره، پرونده ایران به سمت شورای امنیت سازمان ملل در حرکت بود، روحانی

چند نفر دیگر هم هستند که نتوانسته ایم دستگیر کنیم!
(ص ۲۳۳)

۱۸. به نظر روحانی اروپا با آمریکا متفاوت بوده و ایران می توانست با اروپاییان در مسأله هسته ای به توافق برسد اما خود نویسنده به این نکته هم اذعان دارد که اروپاییان خود معتقد بودند پرونده هسته ای ایران بدون حضور آمریکا قابل حل و فصل نیست: یک بار آقای البرادعی به واشنگتن رفته بود، بعد از آنجا برگشت و به من تلفن کرد. فروردین ۸۳ بود گفت که می خواهیم به تهران بیایم. خیلی سریع آمد. تعجب کردم چرا با این عجله به ایران آمده. ظاهر کار این بود که برای مسائل خودمان و ادامه کار آژانس به ایران آمده است. اما بعد به من گفت که می خواهیم خصوصی با شما صحبت کنم در آن جلسه خصوصی گفت من هفته پیش آمریکا بودم به بوش گفتم شما هم بیاید وارد مذاکرات هسته ای بشوید تا این مسئله هسته ای ایران حل و فصل شود. بوش در جواب گفت که چرا مسئله هسته ای؟ چرا ما تمام مسائل بین خودمان را حل نکنیم؟ بوش در ادامه گفته بود «من خیلی آشنا نیستم که در ایران قدرت های مطرح چه کسانی هستند ولی یک نفر با اختیار تام از ایران به آمریکا بیاید. از طرف آمریکا نیز خودم مذاکره می کنم تا همه مسائل ما لا ینحل نماند. البرادعی به روحانی گفته بود الان فرصت بسیار خوبی پیش آمده و آمریکایی ها پا پیش گذاشتند و داوطلب هستند یک نفر نیز از ایران با اختیار تام برود آنجا و

تمام کنید این مسائل را. بالاخره در منطقه نیز این همه مشکلات وجود دارد و حل مسائل منطقه در گرو حل مسائل شما با آمریکاست. روحانی با بیان اینکه در آن مقطع تصمیم بر این بود که با آمریکا مذاکره نکنیم، افزود: برای آمریکا بسیار سخت بود که یک مسئله مهم بین المللی توسط اروپایی ها حل و فصل شود آنها خود را کدخدای دنیا می دانند خود اروپایی ها نیز قبول داشتند که آمریکایی ها باید به نوعی توافق کنند از طرف دیگر اسرائیل و عرب ها نیز فشار می آوردند و کارشکنی می کردند.

۱۹. نویسنده خاطرات او اخر دوره مسئولیت خود را با نقد گفتمان دولت نهم به پایان می برد. نویسنده معتقد بود که هاشمی و خاتمی در بسیاری از مسائل نظرات واحدی داشتند. همان فکری که آقای هاشمی نسبت به روابط دنیا داشت آقای خاتمی نیز همان فکر و برنامه را داشت. این دولت ها در این جهت تفاوتی نداشتند. اما دولت نهم کاملاً رفتارش با دولت های گذشته متفاوت بود. این تفاوت را نیز ما نمی گوئیم. خود آنها بیشتر اعلام و اظهار می کردند. دولت نهم به صراحت می گفت که تفکر ما با دولت های گذشته متفاوت است. حتی می گفتند که این راهی که ما انتخاب کرده ایم راه درست است: متأسفانه گاهی در کشور توهمات، مبنای تصمیم گیری قرار می گیرند. مثلاً این تفکر که غرب به فروپاشی کامل رسیده و نظرات علمی، اقتصادی و سیاسی غرب به بن بست رسیده و خود آنها هم فهمیده اند تنها ایران می تواند

بحران در کشور را دارای اشکالات دانسته است. این عوامل و معضلات عبارتند از:

۱. نخست اینکه نظام از هر کنش اجتماعی نگران است و به سرعت در بالاترین سطح واکنش نشان می دهد.

۲. مسئولین رده های میانی، نگران پیامدهای تصمیم های خود هستند و برای استحکام می خواهند آنها را به تأیید مقامات رده بالا برسانند.

۳. در نظام ایران اصولاً در هر تصمیمی برای مشروعیت یابی بیشتر تلاش می شود تا به تأیید بالاترین رده تصمیم گیری برسد و همین امر هم موجب سلب مشروعیت رده های پایین تر می شود.

۴. غوغاسالاری سیاسی است که می تواند نظام مدیریت کشور را فلج کند تا سیاست زدگان از هر تصمیمی برای از میدان به در کردن حریف بهره گیرند.

۵. نداشتن تجربه و تخصص لازم برخی افرادی است که در رده های مختلف مسئولیت قرار دارند. ۶. عدم گزارش دهی صحیح است.

۷. اینکه گاهی از افرادی که به آنها مسئولیت می دهیم، حمایت کافی نمی کنیم. (صص ۶۹-۷۱) تمامی موارد بیان شده از آن نظر که نویسنده ۱۶ سال در مقام تصمیم گیری سیاسی و امنیتی برای حوادث کشور بوده است قابل توجه و بررسی می باشد. هر چند محورهای بیان شده خالی از نقد نیستند اما در مجموع می توان این نکات را در استراتژی کلان

راه حل بدهد! یا این سخنی که ما می خواهیم جهان را اداره کنیم... این گونه ادعاها آرمان نیست، بلکه توهمات ناشی از خودشیفتگی و کم تجربگی است. (ص ۷۳) هیچ گاه در نظام جمهوری اسلامی چنین تفکری حاکم نبوده که ما چطور جهان را اداره کنیم. این افراد تنها با کلمات بازی می کنند... آرمان گرایی فعلی شعاری و عوام فریبانه است. (ص ۷۴) همچنین نویسنده با نقد گفتمان آرمان خواهی دولت نهم معتقد است آرمان گرایی واقعی ما بازگشت به روش های انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) است: ما می خواهیم فلسطین بر رژیم صهیونیستی پیروز شود... اما دسترسی به تمام آرمان ها یک شبه میسر نیست... امام (ره) فرمود حفظ نظام اوجب واجبات است، اگر روزی بینیم پی گیری هدف جایی، نظام را با تهدیدی مواجه می کند، حتماً باید آنها را رها کنیم. در جنگ تحمیلی هم آرمان آزادی مردم عراق برای ما مهم بود ولی اولویت حفظ نظام اسلامی بود و سبب شد تا قطعنامه را بپذیریم و آرمان درجه دوم را فدای آرمان درجه اول کنیم... می توانیم به جنگ رژیم صهیونیستی برویم اما در حال حاضر هیچ کس تجویز نمی کند این کار انجام شود در حالی که سقوط رژیم صهیونیستی آرمان ماست. همواره در آرمان خواهی، آرمان برتر، حفظ نظام است. (ص ۷۵)

۲۰. از جمله مباحث قابل بررسی و نقد در کتاب خاطرات دکتر حسن روحانی مبحث مدیریت بحران است. نویسنده به طور کلی با بیان چند عامل مدیریت

امنیتی و سیاسی مد نظر قرار داد.

■ جمع بندی:

کتاب خاطرات حسن روحانی تنها کتاب خاطرات نیست. خاطره، تحلیل، سیاستگذاری، نقد، توصیه، پیوست و مباحث فراوان امنیتی را نیز در خود جای داده است. از این رو نمی توان این کتاب را تنها از نقطه نظر خاطرات سیاسی بررسی و نقد نمود. به طور کلی نویسنده در کتاب محورهای ذیل را بیان می دارد:

۱. فقدان استراتژی در نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور.
۲. عدم شناخت تفاوت های تاکتیکی و استراتژی در سیاست خارجی.
۳. جنبه حیثیتی نظام تصمیم گیری و اینکه فکر می کنیم پذیرش هرگونه اشتباه به معنای پذیرش شکست خواهد بود.
۴. تلقی تاریخ گرایانه از سیاست
۵. غلبه ی شعار بر عمل
۶. تئوری توطئه در ذهن مسئولین.
۷. تسویه حساب سیاسی از طریق تصمیم های سیاست خارجی
۸. کمبود اطلاعات سیاسی و حقوقی در برخی لایه

های تصمیم گیر

۹. بیان سیستم تصمیم سازی و تصمیم گیری نظام جمهوری اسلامی ایران

۱۰. بیان و تشریح فراز و فرودهای پرونده ی هسته ای ایران

۱۱. بیان بسیاری از مذاکرات پشت پرده در جلسات شورای عالی امنیت ملی.

۱۲. بیان نقاط قوت و ضعف سیستم وزارت امور خارجه، شورای عالی امنیت ملی و سایر نهادهای مسئول.

۱۳. تلاش برای میان رو و معتدل نشان دادن طیف و جریان فکری خود.

۱۴. نقد سیاست خارجی دولت نهم و دولت دهم

۱۵. تلاش برای اثبات این مدعا که استراتژی هسته ای در دولت خاتمی بهترین گزینه ی پیش رو بوده است.

■ پی نوشت ها:

۱. رجوع شود به متن سخنرانی هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی در مراسم تودیع وی از دبیری شورای عالی امنیت ملی و معارفه ی دکتر علی لاریجانی.
۲. رجوع شود به بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دبیرخانه ی شورای عالی امنیت ملی به مناسبت پایان مسئولیت حسن روحانی.

نظرات، انتقادات و پیشنهادات
خود را برای دیدبان ارسال کنید:
didban@mail.com

www.Didban.ir

پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی

